بحثی پیرامون

« شیوهٔ تولید آسیائی »

وامکان موجودیت آن در قبایل پشتون ونورستان

دکتور علوم کبیررنجبر

اکادمی علوم جمهوری دموکراتیک افغانستان

مرکزعلوم اجتماعی

مجله آریانا

بحثی پیرامون

« شیوهٔ تولید آسیائی »

وامکان‌موجودیت‌آن‌درقبایل پشتون ونورستان

دکتورعلوم کبیررنجبر

اکادمی‌علوم جمهوری‌دموکراتیک افغانستان

مرکز علوم اجتماعی

مجله‌آریانا

۱۳۶۴

بحثی پیرامون « شیوهٔ تولید آسیایی » وامکان موجودیت آن در قبایل پشتون و نورستان

فهرست مطالب:

مقدمه

۱ـ طرح مسأله و نظریات دانشمندان

ـ تعالیم مارکس، انگلس ولینین

ـ مشاجرات بعدی

۲ـ ارزیابی ماازکتگوری «شیوهٔ تولید آسیایی»

ـ گمون ها

ـ نتایج عمده

۳ـ امکان موجودیت «شیوهٔ تولید آسیایی» درقبایل پشتون و نورستان

ـ قبایل پشتون

ـ قبایل نورستان

ـ نتیجه

ـ بیبلیوگرافی

بحثی پیرامون « شیوهٔ تولید آسیایی » و امکان موجودیت آن در قبایل پشتون و نورستان

مقدمه :

درین مختصر ، به‌منظور روشنی انداختن بر کتگوری (مقوله) شیوهٔ تولید آسیایی ، اولاً نظریات دانشمندان از فرهنگ اقتصاد سیاسی ،دائرة المعارف اقتصاد سیاسی ، دایرة المعارف فلسفی و دائرة المعارف بزرگ شوروی مستقیماً انتقال(۱)، بعداً عقاید شخصی نویسنده دربن مورد ابراز گردیده است.

---

۱ ـ دائرة المعارف بزرگ شوروی ـ جلد ۱ ، مسکو، ۱۹۷۰ ،صفحهٔ ۲۷۹؛ دائرة المعارف بزرگ شوروی،جلد۲۴، کتاب اول،مسکو،۱۹۷۶ صفحات ۳۴۵-۳۴۶؛ فرهنگ اقتصاد سیاسی ـ مسکو ۱۹۷۲ ،صفحات ۲۸۶-۲۸۷ ؛دائرة المعارف اقتصاد سیاسی، جلد اول،مسکو ، ۱۹۷۲ ،صفحات ۴۲-۴۳ ؛ دائرة المعارف فلسفی ـ مسکو، ۱۹۸۳، صفحات ۴-۱۵ .

قبل ازآنکه به‌توضیحات درمورد شیوهٔ تولید آسیایی بپردازیم، لازم‌است تایکبار دیگر به فهم خویش از کتگوری شیوهٔ تولید درمجموع آن نظر اندازیم .

شیوهٔ تولید- شیوهٔ معیین‌تاریخی استحصال نعمات مادی‌یی ضروری‌بخاطر استهلاك شخصی وتولیدی انسانها میباشد. شیوهٔ تولید بیانگر وحدت نیرو های مولده ومناسبات تولیداست. دوجهت شیوهٔ تولید درحالت تأثیر متقابل درونی قراردارند .واما درین تأثیرات متقابل ، نقش‌عمده‌رانیروهای مولده بازی میکنند. خصلت مناسبات تولید وابسته به‌سطح‌تکامل نیروهای مولده است. انسانها دراثر کسب دانش، تجربه وخبره‌گی درکار، نعمات مادی را تولید ونیرو های مولده را رشد میدهند ، که سطح تکامل آنها اندازه چیره‌گی انسانها را برطبیعت نشان میدهد. درتحلیل نهایی، نیروهای‌مولده تعیین کنندهٔ تغییرات درمناسبات مالکیت، خصلت پیوستن‌نیروی کار باوسایل تولیدی،اشکال روابط میان مولدین، ساختارطبقاتی جامعه، انگیزه واهداف فعالیت های اقتصادییست، که‌ویژه‌یی هریك ازشیوه های مشخص تولید میباشد .

مناسبات تولیدی‌و یااقتصادی ویابه‌عبارت دیگر مناسبات انسانها بایکدیگر درپرسه‌تولید ، توزیع ، مبادله‌واستهلاك نعمات مادی ، به‌نوبهٔ خویش متقابلاً فعالانه تأثیر وارد نموده،باعث کندی و یاسرعت‌رشدنیروهای مولده میگردند .

درسیستم‌شرایط زنده‌گی اجتماعی، شیوهٔ تولید مقام تعیین‌کننده‌یی را اشغال‌مینماید .کارل مارکس خاطر نشان‌نمود :«شیوهٔ تولید زنده‌گی‌مادی مستلزم پروسه‌های‌زنده‌گی اجتماعی، سیاسی وروحی‌میگردد» .درارتباط

باشیوهٔ تولید موجود ، رو بنای معینی پی ریزی میگردد و مجموع آنها فرماسیون اجتماعی-اقتصادی را تشکیل میدهند .

نیروهای مولده دایماً رشدمینمایند و تکامل آنها زمانی بدون موانع خواهدبود، که مناسبات تولید باسطح تکامل نیروهای مولده تطابق داشته باشند (مثلاً در جامعهٔ سوسیالیستی). بر خلاف، اگرمناسبات تولید بیشتر از این باسطح رشدنیروهای مولده مطابقت نداشته باشند (مثلاً در کاپیتالیزم معاصر)، در آن صورت رشدنیروهای مولده را ترمز نموده و بهمانعی در راه تکامل آنها مبدل میگردند . بجای شیوهٔ تولید کهنه ضرورت جاگزینی شیوهٔ تولید جدیدی بوجودمیاید ، که باسطح عالی تر رشد نیروهای مولده مطابقت داشته باشد. بر مبنای تغییرات در شیوهٔ تولید، تغییرات در نظام اجتماعی، رشدنیرو های مولده و مناسبات تولیدی همهٔ جامعه بوقوع میپیوندد. همین جاگزینی یک شیوه تولید بجای شیوهٔ تولید دیگری از طریق انقلابی صورت میگرد. بدین ترتیب ، اساس اقتصادی وسیاسی انقلاب های اجتماعی توسط قانون مطابقت مناسبات تولیدی باخصلت نیروهای مولده، که توسط کارل مارکس کشف شده است، بیان میگردد.

۱ـ طرح مساله و نظریـــــات دانشمندان:

تاریخ جوامع بشری پنج شیوهٔ تولیدرا میشناسد، که عبارت انداز کمون اولیه، بردهگی، فیودالی، سرمایه داری و کمونیستی (که فاز اول آن سوسیالیزم است). همچنین، درادبیات مارکسیستی از وجود شیوهٔ تولید آسیایی در بعضی از جوامع قدیم بشری سخن بمیان آمده، ولی در حقانیت این مسأله وحدت نظر وجود ندارد و تاهنوز مورد مشاجرهٔ دانشمندان است .

ـ تعالیم مارکس، انگلس ولینین :

درتعالیم کارل مارکس ، دربارهٔ فرماسیون های اجتماعی-اقتصادی، شیوهٔ تولید آسیایی به آن مدارج اساسی تکامل جامعه اطلاق میشود، که در تاریخ جهان دورانی راازفروریختن کمون اولیه تابرقراری نظام بردهگی، در برمیگیرد

منابع اولی تکامل نظریات کارل مارکس فریدریک انگلس درمورد تاریخ شرق ـ تصورات عنعنوی تاریخ دانان بورژوایی اروپایی دربارهٔ خصلت منجمد جامعهٔ شرقی، طبیعت مستبدانه و مطلقهٔ دولت و غیره بود، که در افکار تاریخ جهانی هگل تنظیم شده بودند. تا به سالهای ۱۸۴۶-۱۸۴۷، ک. مارکس و ف. انگلس موفق به فهم مادی تاریخ گردیدند و مشخصات شرق را باعوامل اقتصادی وآن هم موجودیت تیپ مخصوص تقسیم کار اجتماعی توضیح نمودند. درسالهای ۱۸۵۰ - ۱۸۶۰ در رابطه با تحقیقات درمورد نقش مستعمرات در تکامل سیستم سرمایه داری ، ک. مارکس بااستفاده از آثار دیگر و درجمله تألیفات ر. جونس ، که برخی از علایم ماهوی اقتصادی خلقهای آسیایی را تعیین نموده بود ، توجه بخصوصی را به بررسی تاریخ اجتماعی ـ اقتصادی آنها نمود .

برای اولین بار کرکتر ستیک شیوه تولید آسیایی درجون سال ۱۸۵۳ درمکاتبهٔ مارکس و انگلس و همچنین درمقالهٔ ک. مارکس « فرمانروایی بریتانیا در هند » داده شد . (۱) خود اصطلاح « شیوهٔ تولید آسیایی » درسال ۱۸۵۹ پدید آمد. درجریان پیریزی مزید اساسات تعالیم اقتصادی مارکسیستی، ماهیت و اهمیت شیوهٔ تولید آسیایی به صورت عمیقتر توضیح گردید. پژوهشهای تیوریتیکی مارکس در « دستنویس های اقتصادی سالهای ۱۸۵۷ - ۱۸۵۸ » که بخش ویژهٔ آن به اشکال تولید ماقبل سرمایه داری اختصاص داده شده بود، به وی امکان آنرا دادند ، تادرمقدمهٔ اثر خویش « نقد اقتصاد سیاسی » (۱۸۵۹) احکامی را به پیش کشدو تذکر دهد که « ... شیوه های تولید

۱ـ ک. مارکس ، ف. انگلس ، کلیات آثار ، طبع دوم ، جلد ۹ ، صفحات ۱۳۰ - ۲۳۶.

آسیایی ، آنتیك (۱) ،فیوالی و بورژوایی معاصر رامیتوان بمثابهد وره های مترقی فرماسیون های اقتصادی و اجتماعی تعیین نمود ».(۲)

شیوهٔ تولید آسیایی درمدنیت های کهن شرقی بـه کاملترین درجـه تکامل خویش رسید و اشکـال عنعنوی آن در نواحی مختلف جهان (در هند و بعضی ازمردمان اروپای‌شرقی) به‌شکل تغییریافته آن ،تابه قرن ۱۹ حفظ گردید . سیاست استعماری کشورهای اروپایی و پخش سرمایداری‌منتج به ازبین رفتن شیوهٔ تولید آسیایی گردید . شیوهٔ تولید آسیایی بیانگرسیستم ویژهٔ کمون های زراعتی است که‌توسط دولت باهم متحد گردیده اند . ثبات‌شیوهٔ تولید آسیایی‌مربوط به‌همین‌ساختار ویژه کمون های‌زراعتی میباشد، که‌دراساس‌آن قرار دارند. درنتیجه تطورطولانی درآستانه میان سازمان اجتماعی اولیه وجوامع‌طبقاتی ،این کمون ها مشخصات ،ازقبیل مالکیت اجتماعی بر زمین ،کاردسته جمعی ،روابط مستحکم درونی میان اعضای کمون را ازسازمان اجتماعی اولیهٔ کمونیستی به میراث بردند. پیوند زمینداری با صنایع خانگی خصلت مستقلانه‌یی را به‌این کمون هامیدادو روابط اقتصادی میان کمون های جداگانه نهایت‌ضعیف بود و یااصلاً وجود نداشت . همچنین‌درکمون های زراعتی نطفهٔ مالکیت خصوصی،به شکل خانه هاوحویلی های خانواده‌های‌جداگانه، بوجودآمده بود.دوالیزم (۳) وخصلت انتقالی کمون ها باعث قابلیت زیست طولانی آنها گردید. درزمانه‌های قدیم ،بخاطرمبارزه دسته جمعی باطبیعت و یا به‌هدف دفاع

۱ـ منظورازانتیك ـ یونان قدیم وروم قدیم است. (ر.ك.) .

۲ ـك . مارکس ، ف. انگلس . کلیات آثار ،جلد ۱۳ صفحه ۷ .

۳ ـدوالیزم ازکلمه لاتینی Duo دوگرفته شده است .

خودی و قتاًفوقتااتحاد کمون های زراعتی بوجودمیآمد . باگذشت زمان،در جوا ردریاهای بزرگ ،جائیکه مبارزهٔ باآب خیزی و ایجاد شبکه آبیاری از شرایط حتمی زمینداری بود ، اتحاد کمون های زراعتی خصلت دایمی را بخود گرفت. برمبنای همین اتحاد، دولت ایجادگردیدو امور مربوطبه عمدهٔ کمون هارادردست خویش متمرکز نموده، وسیلهٔ روابط میان کمون ها گردیدو به تدریج بالاتر از کمون ها قرارگرفته ،به استثمار آنها پرداخت .دولت باجمع آوری بهرهٔ جنسی، که باما لیه تطابق میکرد محصول اضافی را تصاحب ودرواقعیت مالکیت کلی خویش را برزمین وآب برقرار ساخت. مسایل نظامی ، روابط خارجی کشور وتجارت خارجی نیز درد ست دولت ـ متمرکز شد. هرارشی (۱) پی که ادارهٔ امور را دردستداشت ودر رأس آن امرای مطلق االعنان قرار میگرفت،طبقه حاکمهٔ این جوامع را تشکیل میداد. درشرایط شیوهٔ تولید آسیایی تقسیم کار میان روستاهاوشهر ها به میان نیامده بود . شهر ها فقط به حیث اقامتگاه نمایندگان قدرت مطلقه عرض وجودمیکردند. این دولت هامستقیماً درساحهٔ تولید مداخله نمینمودند، زیرا تولیدازوظایف کمون ها بود . کمون ها حجرات همگون ارگانیزم بزرگ اجتماعی را تشکیل داده، ساختار درونی وخصلت مستقلانهٔ خویش را کاملاً حفظمینمودند .

کمون ها دایماً باتولید مجدد خودی وتولید مجددوسیع ازطریق تشکیل کمون های دختر (به شکل عنعنوی وقالبی) درارا ضی جدید به حیات خویش

۱ـ هرارشی ـ کلمهٔ یونانی Hierarchia میباشد ، که از Hieros مقدس و Arshe قدرت گرفته شده است وعبارت ازسیستم مقامات ، القاب ورتبه هایست ، که به سلسلهٔ مراتب تابعیت پائینی ها ازبالاهایی قرارداشته باشند .

ادامه و به‌ساحهٔ خویش وسعت میدادند . درقدیم، فتح کشورهای‌مبتنی‌بر شیوهٔ تولیدآسیایی‌منجربه‌تعویض خاندان سلطنتی و هرارشی حاکمه‌گردیده، به‌اساسات کمون‌های زراعتی هیچ آسیبی نمیرسانید .

تابه اواخر سالهای ۱۸۷۰ درعقاید مارکس وانگلس تغییرات ماهوی درمورد شیوهٔ تولید آسیائی به وقوع پیوست . جهات و مشخصات جداگانهٔ شیوهٔ‌تولید آسیایی در هنگام‌تحلیل کتگوری‌های‌مشخص‌اقتصادی در اثرمعروف ک.مارکس «کپیتال» و همچنین درارتباط به مسالهٔ پیدایش طبقات و دولت در «انتی ـ دیورنگ» مورد بررسی قرارگرفتند . مارکس‌به موجودیت شیوهٔ‌تولید آسیایی در بعضی کشورهای قدیم آسیایی و همچنین درخارج ازقارهٔ آسیا ـ درمصر باستان ، مکسیکو و پیرو اشاره نموده است .لذا،اصطلاح «شیوه‌تولید آسیایی »مانند اصطلاح «شیوهٔ تولید انتیک» خصلت منطقوی نداشته ، بلکه ممثل مرحلهٔ عام تکامل میباشد . حجرهٔاساسی اقتصادی شیوهٔ تولید آسیایی ـ کمون‌زراعتی دربسیاری‌ازمردمان جهان تعمیم پیدا نمود ، ولی دربعضی ازآنها بزودی نابودگردید وجای خودرا به کمون‌های مالکین خصوصی به‌اشکال انتیک وجرمنی آن داد .

تکامل مزید نظریات ک.مارکس وف. انگلس درمورد شیوه تولید آسیایی ارتباط‌نزدیك باتکامل‌دانش دربارهٔ جوامع ماقبل سرمایه داری و بالخصوص کشفیات ل .مورگن دربارهٔ تاریخ جوامع ابتدایی انسانها داشت . در «مسوده جواب مکتوب و. زاسولیچ» (۱۸۸۱) درك مارکس‌ازکمون های زراعتی به‌مثابهٔ تشکیلات آغازی واولی نبوده ،بلکه به‌مثابهٔ آخرین مرحله فرماسیون های‌ابتدایی‌وبدوی‌میباشد. درکمون ها ، به‌مرورزمان ، باحفظ مالکیت دسته جمعی برزمین ، زرع خصوصی وتصاحب خصوصی

اراضی به میان آمد ، که ما قبلاً به آن اشاره نمودیم و بیانگر خصلت دوالیستی (دوگانه‌یی) این اجتماعات‌زراعتی است .

در اثر معروف انگلس ـ منشأ خانواده ،مالکیت خصوصی و دولت (۱۸۸۴) شیوهٔ تولیدآسیایی اصلاً مورد ارزیابی قرار نگرفته است .

در ادبیات‌مارکسیستی‌اواخر قرن ۱۹ واوایل قرن ۲۰،ر . لوکسمبورگ ، پ لافارگ ونویسنده‌گان دیگر در آثر خویش‌تماس‌هایی به شیوهٔ تولید آسیایی گرفتند. در بعضی موارد مثلا در آثارگ . و . پلخانف ، گتگوری شیوهٔ تولید آسیایی به مثابهٔ تیپ و یژهٔ تکامل درهمزیستی باشیوهٔ تولید انتیک بررسی گردیده است .

در آثار و .ای.لینین‌شیوهٔ تولید آسیایی به حیث موضوع مشخص‌تحت‌بررسی قرار نگرفت . علاوه بر آن ، درمشاجره باگ . پلخانف و بعداً با ر. لوکسمبورگ،و .ای. لنین‌مخالف‌بکاربردن کتگوری شیوهٔ تولید آسیایی از جانب آنها در تاریخ روسیه بود . ولی و . ای.لینین در ارتباط باتیوری فرماسیون های اجتماعی ـ اقتصادی گ . مارکس ، از این کتگوری نام میبرد . همچنین و . ای .لینین دسپوتیزم (۱) آسیایی را به مثابهٔ نظام دولتی ارزیابی‌مینمایدومینویسد:دسپوتیزم‌آسیایی«درآن موارد استحکام زیادی‌دارد، که دراقتصاد کشور مشخصات پدرسالاری و ماقبل سرمایه داری مطلقاً تفوق داشته ، رشد سرمایه داری و تفکیک طبقاتی نهایت ناچیز باشد » (۲)

ـمشاجرات بعدی:

دراتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی درسالهای ۲۰ـ۳۰ قرن‌بیستم درارتباط بامسائل انقلاب چین مشاجراتی درمورد شیوهٔ تولید آسیایی

۱ـ دسپوتیزم از کلمهٔ یونانی Despoteia ـ قدرت نامحدود گرفته شده است .

۲ ـ و . ای. لینین ، کلیات آثار، جلد ۲۵، صفحات ۲۶۶-۲۶۷ .

صورت گرفت. درسالهای ۱۹۲۹-۱۹۳۳ این موضوع مورد بحث جداگانه یی قرار گرفت. عده یی از دانشمندان به پشتیبانی از مفکورهٔ شیوهٔ تولید آسیایی ابراز نظر کردند. این مباحثات مسایل فرماسیون های ماقبل سرمایه داری را در مجموع آن احتوا و به فهم عمیقتر از تعالیم ک. مارکس دربارهٔ فرماسیون های اجتماعی - اقتصادی کمک نمودند، اما اهمیت و مقام کتگوری شیوهٔ تولید آسیایی درآنها کاملاً آشکار نگردید. برخی از دانشمندان به نظریهٔ و.و. ستروفه- دربارهٔ خصلت برده گی جوامع باستانی شرقی، پیوستند و دیگران عقاید سابقه را درمورد طبیعت فیودالی نظام باستانی شرقی حفظ کردند.

خلاصه اینکه مشاجره دربارهٔ شیوهٔ تولید آسیایی، در واقعیت امر، ختم ناشده باقی ماند. درسالهای ۳۰ علمای چینایی و جاپانی نیز علاقهٔ زیادی به مسائل شیوهٔ تولید آسیایی گرفتند.

از آغاز سالهای ۶۰ مشاجره در این مورد مجدداً آغاز گردید و بزودی مقیاس بین المللی را بخود اتخاذ نمود. یکی از جهات این مشاجرات عبارت از پژوهش عقاید مارکس و انگلس در رجریان تکامل آنها به استناد شناخت کاملتر منابع و جهت دیگر مشاجره- کاوش علمی ساختار اجتماعی جوامع مشخص از نقطهٔ نظر بکار بردن کتگوری شیوهٔ تولید آسیایی در مورد آنها بود. دانشمندان کشورهای زیادی در پشتیبانی از موجودیت شیوهٔ تولید آسیایی در هند قدیم، چین، کمبوجیا، درجوامع استیک ها، اینک ها و افریقای حاره، معلوماتی ارائه نمودند. درجریان مشاجرات، جوامع مبتنی بر شیوهٔ تولید آسیایی به مثابهٔ جوامع ماقبل طبقاتی (جامعه «کمون اولیه»)، آغاز طبقاتی (مثلاً مانند جامعهٔ «فیودال مآبانه - اسارت آمیز»)، و یا به مثابهٔ اختلاط اشکال استثمار متعلق به فرماسیون های مختلف (برده گی و فیودالی) ارزیابی گردیدند. درعین زمان تلاش هایی

درجهت همانندی شیوهٔ تولیدآسیایی باشیوه‌های‌تولیدی‌بردگی ،فیودالی و یا کمون اولیه صورت گرفت. بدین‌ترتیب،مسالهشیوهٔ تولید آسیایی تابه امروز به‌حیث موضوع مورد مشاجره باقی‌ماندوبدون شك مباحثات‌وسیعی درین زمینه مجدداً آغاز خواهد شد .

***

۲ ـ ارزیابی ماازکتگوری «شیوهٔتولید آسیایی »:

نتایجی که‌مابعد ازارزیابی دقیق فرضیهٔشیوهٔ تولید آسیایی، بدست آورده ایم، بانظریات برخی ازدانشمندان وجوه مشترك داشته ،ولی‌عمدتاً متفاوت اند .بعدازمراجعهٔ دوباره به‌آثار کلاسیك های مارکسیزم‌ـلینینیزم هویدا گردید که نظریات کارل مارکس‌درمورد «شیوهٔ تولیدآسیایی » ثابت و بدون تغیرنبود وازسالهای ۴۰ تااوایل‌سالهای ۸۰قرن‌نزدهم دستخوش تغییرات زیادی گردید . درسال ۱۸۵۹ کارل مارکس‌دراثر «نقداقتصاد سیاسی »،درکنارشیوه‌های تولیدی فیودالی وسرمایه داری از شیوهٔ تولیدآسیایی‌وانتیك‌نام‌میبرد،(۱)ولی‌باگذشت‌زمان وی درمکتوب‌سال ۱۸۸۱ به‌و.ای.زاسولیچ ،به‌عقیدهٔ‌سابق‌ذکورهٔ‌موجودیت‌فرماسیون‌ارخائیك Archaic ویاابتدایی رادرتاریخ بشریت جاگزین مقولهٔشیوهٔ‌تولیدآسیائی مینمایدوبدین‌گونه‌بصورت‌نهایی مفهوم « نظام کمون اولیه » را تشکل میدهدو بالاخره کمون‌های‌تیپ‌آسیائی‌رابه مثابه فرجام زندگی فرماسیون آرخائیك و یا نظام کمون‌اولیه‌ارزیابی‌مینماید(۲)

۱ـ ازاین تذکارکه مارکس به هیچ صورت باید چنین انتباهی گرفته نشود، که‌گویادرجوامع بشری علاوه بر پنج فرماسیون اجتماعی ـ اقتصادی کمون اولیه، برده داری ،فیودالی ،سرمایه داری و کمونیستی ـفرماسیون های مستقل دیگری مبتنی برشیوهٔ تولید آسیایی‌وانتیك نیز وجود داشت.

۲ ـ ك.مارکس‌وف .انگلس ـ کلیات آثار، طبع دوم (زبان روسی) جلد۱۹، صفحه ۴۰۳ .

عدم تماس ف.انگلس در اثر ارزنده اش «منشأخانواده ،مالکیت خصوصی و دولت» به کتگوری شیوهٔتولید آسیایی (باوجوداربا طزیاد موضوعات آن بااین مساله) تصادفی نبوده ،بلکه بیانگر عدم اعتقادوی به وجود عینی شیوهٔتولید آسیایی درتاریخ جوامع بشری به حیث شیوه تولید جدا گانه میباشد. و. ای.لینین تیوری فرماسیون های اجتماعی-اقتصادی ک. مارکس وف. انگلس را ازدست آوردهای عظیم علمی درساحه جامعه‌شناسی دانسته،مینویسد: «مثل داروین که به نظریات عدم وجود هرگونه روابط بایگدیگر، تصادفی بودن... ولا یتغیر بودن انواع حیوانات و نباتات، خاتمه داد و برای بار اول بابرقراری تغیر پذیری انواع (حیوانات و نباتات-ک.ر.) و توالی میان آنها، بیولوژی رابر مبنای کاملاً علمی استوار ساخت -مارکس نیز به نظریات دربارهٔ جامعه به‌مثابهٔ دستگاه میخانیکی افرادیکه به‌ارادهٔ آمرین (و یابدون تفاوت به ارادهٔجامعه‌وحکومت) امکان هرنوع تغیری در آن موجود، پیدایش و تغییر آن تصادفی باشد ، خاتمه داد. و برای اولین بار، بابرقراری مفهوم فرماسیون اجتماعی-اقتصادی، به‌مثابه مجموع مناسبات تولیدی معین سوسیولوژی را برمبنای علمی استوار و تعیین نمود که تکامل چنین فرماسیون ها پروسه طبیعی -تاریخی میبا شد» (۱). درعین زمان طوریکه قبلا اشاره نمودیم، و. ای.لینین درارتباط بانیوری فرماسیون های اجتماعی-اقتصادی ک. مارکس ،«شیوهٔ تولید آسیایی» را درهیچ اثر خویش مورد پژوهش قرارنمیدهد.

---

۱ - و.ای.لینین- کلیات آثار، طبع پنجم (زبان روسی) جلد ۱ صفحه ۱۳۹.

به عقیدهٔ مانسبت دادن « شیوهٔ تولید آسیایی » به مدارج معین تکامل برخی ازمردمان نجز مرحلهٔانتقالی، از کمون اولیه به‌جوامع طبقاتی ، چیزی دیگری نمیتواند باشد . پروسه تکامل جوامع اولیه بشری درمناطق ومردمان مختلف جهان ، تحت تأثیر عوامل درونی وخارجی،به اشکال مختلف تبارزومشخصات گوناگونی به‌خود اتخاذ نموده است . دربسیاری ازجوامع مرحلهٔ انتقالی (ازجوامع بدون طبقات به طبقاتی) کوتاه ،ولی دربرخی ازآنها مدت طولانیی را دربر گرفت . همین قابلیت زیست طولانی مرحلهٔ انتقالی دربعضی ازجوامع ، عامل بوجود آمدن تصور واهی موجودیت «شیوهٔ تولید آسیایی » درچوکات فرماسیون جداگانه ومستقل اجتماعی ـ اقتصادی گردید.

ـ کمون ها:

برای درک بهتر این مسالهٔ لازم است تابرکمون ها وتطور تاریخی آن روشنی اندازیم : قبل ازهمه باید تذکر داد که وجود کمون ها ازمشخصات تمام جوامع ماقبل سرمایه داری میباشد. کمونها بارشد نیروهای مولده وتکامل جوامع بشری دستخوش تغییراتی گردیدند وبدین ترتیب دوتیپ عمدهٔ کمون رامیتوان ازهمدیگر تفکیک کرد .

تیپ‌اولی عبارت ازکمون های اولیه ـ شکل ابتدایی سازمان اجتماعی است ، که بر مبنای روابط طبیعی، خونی- خویشاوندی ایجاد میگردد.

تیپ دومی کمون های منطقوی(ساحوی) مبتنی بر روابط همسایگی میباشد. اولی اساس عمدهٔ فرماسیون ماقبل طبقاتی ودومی واحد های اجتماعی جوامع

طبقاتی ماقبل سرمایه داری را درکشاورزی تشکیل میدهند. درمرحلهٔ اولیهٔ تکامل جوامع بشری کمون هاگسترش عام وتام داشتند. این موسسات حامل تمام‌وظایف اجتماعی مربوطبه‌تولید، زندگی روزمرهٔ خانواده‌گی و ایدئولوژیکی بودند.با تکامل نیروهای مولده، تعمیق پروسه تقسیم کار اجتماعی و بوجود آمدن طبقات ، وظایف کمون نیز محدود گردید و به مثابهٔ حجرهٔ پایینی ترکیب اجتماعی جامعهٔ طبقاتی ،به‌سازمان ادارهٔ خودی مولدین مستقیم درکشاورزی مبدل گردید . کمون های زراعتی دارای وظایف وسیع اجتماعی و ازآن جمله سازمان دادن کار های دسته جمعی درمواقع ضرورت ، کمک متقابل ، حل وفصل منازعات میان افراد ، نماینده‌گی از منافع دهاقین دربرابر دولت ، فیوداالان و کمون های دیگر ، سازمان دادن جشن ها و دیگر مراسم مذهبی و انتقال تجارب ، عنعنات وسنن به نسل های بعدی وغیره است . مناسبات درونی کمون توسط عنعنات و یابا لعموم توسط قوانین دولتی تنظیم میگردد .

کمون های همسایه (۱) درارتباط باشرایط مشخص تاریخی انواع واقسام‌زیادی‌دارد ، ولی مارکس‌دراثر خویش«نقداقتصاد سیاسی»علیرغم این تنوع، سه‌مرحلهٔ ویاپلهٔ اساسی فروریختن آنهارا ازیکدیگرجدا نموده است .

۱ ـ مرحلهٔ کمون آسیایی درواقعیت امر عبارت از شکل تغیر یافته اشتراک طبیعی است ، که‌در زمان تکامل تاریخی کمون اولیه حاکمیت داشت.اساس کمون های آسیایی را مالکیت عامه بر زمین تشکیل میداد .

---

۱ کمون‌های منطقوی مبتنی برروابط همسایگی .

سهم زمین خانوا ده های جداگانه ـ بخشی ازملکیت لا ینفک کمون بود.

دراین نوع کمون‌ها بخش‌اعظم کاربصورت دسته جمعی صورت میگرفت. علاوه بر آن پشه‌وری و کشاورزی باهم پیوند داشت و تقسیم کار اجتماعی میان کمون های جداگانه صورت نگرفته و یا نهایت‌ضعیف بود.

۲ ـ مرحلهٔ کمون انتیک‌پلهٔ بعدی درپروسه فروریختن کمون‌های همسایه وبوجود آمدن اقتصادیات انفرادی ومالکیت خصوصی است.

افراد درکمون انتیک، زمانی میتوانستندصاحب قطعه زمین باشند، که عضو کمون بوده واز آن خارج نشوند. به عبارت دیگر عضویت در کمون شرط اساسی تصاحب سهم معین زمین بود. درعین زمان هر عضو کمون مبدل به‌مالک خصوصی قطعه زمین زراعتی گردید. مالکیت کمونی به مثابهٔ مالکیت دولتی(Ager Publicus) (۱) از مالکیت خصوصی مجزا بوده، ساحهٔ جداگانه یی را تشکیل میداد و همهٔ اعضای کمون میتوانستند ازآن استفاده نمایند. عامل اساسی بقای کمون انتیک عبارت ازتساوی حقوق اتباع آزادی بود، که زندگی خویش را بصورت مستقلانه تأمین میکردند.

۳ـ کمون جرمنی گام دیگری درراه تجزیه کمون وتشکل ملکیت های مستقل وجداگانه خانواده های دهقانی به‌مثابهٔ اساس عمدهٔ واحد های تولیدی میباشد. درکمون جرمنی ملکیت اجتماعی فقط وفقط مکمل ملکیت خانواده های جداگانه است. اگردرکمون انتیک تصاحب زمین

---

۱ ـ درروم باستان زمین دولتی بنام Ager publicus ویازمین اجتماعی یاد میشد.

مشروط به عضویت در کمون بود ، با لعکس در شکل جرمنی آن وجود خود کمون مشروط به احتیاجات اقتصادیات خانواده های منفرد دهاقین میباشد. وجود کمون های تیپ جرمنی به دوران تسلط مناسبات فیودالی وآن هم زمیندار ی های بزرگ ارتباط میگیرد . (۱)

- نتایج عمده:

بدین ترتیب، دو الیزم مبتنی بر مالکیت اجتماعی و خصوصی و قبل از همه دو الیزم مالکیت اجتماعی و انفرادی بر زمین از مشخصات همهٔ انواع کمون های همسایه است. ولی تناسب میان دو شکل مالکیت (اجتماعی و خصوصی) در هر یك از آنها متفاوت میباشد. در کمون آسیایی قطب عمده را مالکیت اجتماعی و بر خلاف در کمون جرمنی قطب عمده را مالکیت خصوصی تشکیل میدهد .

هر یك از مراحل کمون، در نتیجهٔ تأثیرات عوامل درونی، خارجی، موقعیت جغرافیایی و غیره تنوع فراوانی داشته، در مناطق و مردمان مختلف دارای ویژه گی هایی بودند . پروسهٔ فروپاشی کمون اولیه یك دوران طولانی تاریخی تکامل جوامع بشری را در بر گرفت .در اثر تکامل تیرو های مولده نطفه های شیوهٔ تولید مبتنی بر مالکیت خصوصی در بطن کمون اولیه بوجود آمد، رشد نمود و به مرور زمان مسلط گردید .

در اکثریت جوامع بشری شیوهٔ تولید برده گی جانشین کمون اولیه گردید ولی بعضی از مردمان جهان بدون عبور از دوران برده گی وارد مرحلهٔ تکامل فیودالی شدند .در هر دو صورت هنگامیکه تناسب میان مالکیت اجتماعی و خصوصی بیشتر از ه درصد به نفع مالکیت اجتماعی باشد، مراحل معین تکامل جامعهٔ

---

۱ - ر.ك : دایرة المعارف اقتصادی ، اقتصاد سیاسی ، جلد سوم ، مسکو ، ۱۹۷۹ ، صفحه ۱۵۷ ، دایرة المعارف فلسفی، مسکو ، ۱۹۸۳ ، صفحه ۴۵۲ .

کمون اولیه و زمانیکه تناسب مذکور بیشتر از ۵۰ درصد به نفع مالکیت خصوصی باشد، بیانگر تسلط جامعهٔ برده‌گی ویافیودالی میباشد و به هیچ صورت در فرماسیون‌های ماقبل سرمایه‌داری نمیتواند حرفی از شیوهٔ تولید مستقل «آسیایی» در میان باشد .

«شیوهٔ تولید آسیایی» فقط و فقط شکل ویژهٔ تبارز فرماسیون های اجتماعی - اقتصادی کمون اولیه برده‌گی و یافیودالی میباشد .به همین مناسبت است که برخی از دانشمندان در مشاجرات سالهای ۶۰ «شیوهٔ تولید آسیایی» را به نظام فیودالی و برخی به نظام برده‌گی و عده‌یی به کمون اولیه ارتباط میداد.(۱)

تا زمانیکه تولید مبتنی بر کمون آسیایی و یا اتحاد کمون‌ها است و دولت هنوز وجود ندارد، «شیوهٔ تولید آسیایی» شکل و یژهٔ تبارز جامعهٔ کمون اولیه ولی بعداز بوجود آمدن دولت بر مبنای تفوق یکی از کمون‌ها بر کمون های دیگر، «شیوهٔ تولید آسیایی» شکل و یژهٔ تبارز نظام برده‌گی و یافیودالی است. زمانیکه اعضای کمون حاکم به استثمار برده‌ها پرداخته، از کشتار اسرای جنگی خودداری نموده ،آنها را در اسارت خویش میکشیدند، کمون هانیز شکلی از برده‌گی دسته جمعی را بخود اتخاذ می‌نمود و مناسبات میان کمون حاکم و کمون‌های محکوم مناسبات طبقات استثمار کننده واستثمار شوندهٔ نظام برده‌گی بود . دولت نیز در چنین حالت به مثابهٔ ماشینی در دست اعضای کمون حاکم بخاطر سرکوب اعضای کمون‌های محکوم، حامی و مدافع منافع برده داران عرض وجود مینماید .

۱- ر. ک :نیکیفروف و.ن. ک. مارکس و ف.انگلس دربارهٔ شیوهٔ تولید آسیایی در کتاب : « مسایل جوامع ماقبل سرمایه داری در کشورهای شرق»-مسکو، ۱۹۷۱، صفحات ، ۳-۳۳.

درصورت عدم رشدبرده‌گی در کمون‌های آسیایی و بوجود آمدن دولت بر مبنای برتری و تسلط یکی از کمون‌ها، فرماسیون اجتماعی-اقتصادی کمون اولیه‌جای خودرا به‌فرماسیون فیودالی میدهدو «شیوهٔ تولیدآسیایی» یکی ازاشکال تبارز شیوهٔ تولید فیودالی میباشد .درین‌حالت اعضای کمون‌حاکم سهره‌های ماشین دولتی فیودالی راتشکیل داده، اضافه‌تولید اعضای کمون های محکوم‌را ازطریق جمع‌آوری مالیه‌تصاحب می نماید. مالیهٔ‌مذکور بابهرهٔ جنسی‌زمین‌تطابق پیدامیکند وبدون شك‌رنت(Rent)فیودالی‌است. مالکیت کلی رئیس‌دولت، اعضای خانواده‌اش و یااعضای کمون‌حاکم‌بر تمام اراضی‌و آب شکل‌ویژهٔ مناسبات‌ارضی‌رابوجودمی‌آورد که‌بصورت مشروط میتوان آنرا «فیودالیزم‌دولتی» نامید .

* * *

۳-امکان موجودیت «شیوهٔ تولیدآسیایی» درقبایل پشتون ونورستان:

حال‌میبینیم، تاکدام پیمانه فرضیهٔ شیوهٔ تولید آسیایی درقبایل‌پشتون و بالخصوص نورستان، که درآنها مناسبات اجتماعی- اقتصادی جامعهٔ‌قبیلوی تازمانه‌های نه‌چندان دوری حفظ‌گردید ،میتواند قابل تطبیق باشد .

نزدیک شدن به‌حل‌این مساله ازاهمیت بزرگ میتودولوژیک برخوردار است.

-قبایل پشتون :

قبایل‌پشتون دراثرعوامل تاریخی‌وجغرافیایی ازکمون اولیه‌قبیلوی، بدون عبوراز دوران‌بردگی، به‌نظام‌فیودالی واردگردیدند.(۱) فروپاشی نظام‌جامعهٔ‌اولیهٔ‌قبیلوی درعده‌یی‌ازقبایل پشتون وتشکیل دولت‌های

۱-ر. ك. ك. رنجبر، پوسیده‌گی مناسبات اجتماعی- اقتصادی قبیلوی در افغانستان- «آریانا» ۱۳۶۴ شماره‌اول، صفحات۴-۱۵ .

محلی ختک‌ها ،غلجایی‌ها و بالخصوص دولت‌مقتدر درانی هادرسال ۱۷۴۷ - نتیجهٔقانونمندانهٔ رشدمناسبات فیودالی بود،ولی دربرخی ازقبایل دیگر پشتون مناسبات جامعهٔاولیه قبیلوی تادیر زمانی باقوت‌آن حفظ گردید .

درقبایل بزرگ فوق مقامات دولتی ومهره‌های اساسی‌حکومت‌دردست خیل‌هایی بود که‌رئسای قبایل‌ازمیان آنهاانتخاب میشد، ورئسای قبایل عمدتاً ازمیان همان خیل‌هایی انتخاب میشدکه‌ازنگاه اقتصادی ونظامی‌نیرو مندی زیادی داشتند .خیل‌های‌مذکور بنام خان‌خیل یادمیشدند.بطورمثال اززمانه‌های سابق خان‌خیل قبیلهٔ ختک‌انوخیل بود.(۱)ازسال۱۵۸۶تا ۱۶۸۹ملک‌اکوری ، پسرش‌یحی خان ، نواسه‌اش شهبازخان‌وبالاخره کـواسه‌اش خوشحال خان متعلق‌به یکی ازشعبات‌انوخیل که‌عبارت‌ازشاهین‌خیل است درراس حکومت محلی ختک‌ها قرارداشتند.(۲) درسال ۱۷۰۹ میرویس‌خان که‌ازخان‌خیل قبیلهٔ غلجایی یعنی هوتـک بود ،دولت‌محلی غلجایی‌ها را تأسیس نمود. درسال ۱۷۱۶ شهزاده نشینی ابدالی‌ها درهرات بوجود آمدو دررأسش ذولفقارخان ازخان خیل‌این‌قبیله ـ یعنی سدوزایی قرارگرفت . سرورخان اولین حکمروای‌ترنک‌دراخیر قرن ۱۸ازکته خیل‌ـخان خیل شاخهٔدولت خیل بود. در رأس دولت‌سرکزی وباقدرت‌افغانستان که‌در

۱ـمحمدحیات‌خان،حیات‌افغانی ـ لاهور، ۱۸۶۷، صفحه ۳۲۱.

۲ـو.م. ماسون، و.ا. روسادین ،تاریخ افغانستان‌ـجلددوم،مسکو،۱۹۶۵ صفحات۴۸-۵۸ .

سال ۱۷۴۷ تأسیس گردید، احمدخان از خان‌خیل قبیلهٔ ابدالی یعنی سدوزایی قرار داشت .(۱)

بدین‌ترتیب درقبایل بزرگ یکی‌از خیل‌ها و یاحتی‌شعبه‌یی ازآن قدرت دولتی‌را دردست خویش متمرکز مینمود، خیل‌ها وقبایل دیگر پشتون‌و اقوام غیر پشتون را تحت‌تسلط‌خویش‌میآورد ودرواقعیت مالك‌تمام اراضی آنها میگردید. کارل‌مارکس مینویسد :«شرط اساسی مالکیت که‌در نظام قبیلوی نهفته‌است (که‌در اوایل کمون به‌آن مربوط میشود) عضویت قبیله میباشد. این به‌مفهومی‌است که‌قبیلهٔ‌فتح شده، تسخیر شده توسط‌قبیلهٔ‌دیگر، از مالکیت‌محروم میشود ومبدل‌به‌یکی ازآن شرایط غیر ارگانیك‌تولیدمجدد قبیلهٔ فاتح میگردد که‌به‌آن کمون مانند ملکیت‌خصوصی‌اش برخورد میکند. به‌همین مناسبت‌برده‌گی ووابسته‌گی سرواژی‌عبارت از یگانه پله‌های‌بعدی‌تکامل مالکیت‌نهفته‌درساختارقبیلوی‌اند».(۲) قبایل پشتون‌نیزازاین‌قاعده کلی‌مستثنأنبودند.

خیل‌هاعبارت از همان کمون‌ها ومدارج معین‌تکامل آنهااند، که‌در درون خویش حاوی سازمان وساختار ویژه‌یی بوده، از اتحادآنها قبایل جداگانه‌یی بوجود میآیند. بعضاًیك‌خیل‌ازیك کمون واحد، ولی عمدتاً از چند کمون‌مرکب میباشد. حاکمیت یك‌خیل برخیل‌های دیگر عبارت از همان حاکمیت یك کمون

۱ـ ای.م. ریسنر، تکامل فیودالیزم وتشکیل دولت افغانها ـ مسکو، ۱۹۵۴، صفحات. ۶۱-۶۲ ؛

James sutherland Broad foot, Bengal Engineers 1839, "Royal Geographical society", V. I. Pt. III, "Supplementary papers" London, 1885, p. 895;
H. G. Raverty. Notes on Afghanistan and part of Baloochistan...London, 1881, p. 197.

۲ـ ک. مارکس وف. انگلس.، کلیات آثار (زبان روسی) طبع دوم، جلد۲۶، کتاب‌اول ،صفحه ۳۸۲ .

برکمون‌های دیگر است . خیل‌های حاکم‌قبایل پشتون‌ـشاهین‌خیل، هوتك، کته‌خیل وسدوزایی که ازسال ۱۰۸۶ دررأس‌حکومت‌های‌محلی‌و دولت های مرکـزی فیودالـی قـرارداشتند ،ازنگاه‌حقوقی مالك تمام اراضی قبایل‌و اقوام تحت‌تسلط‌خویش‌بودند.آنها ازمؤسسات کمونی‌ـ قبیلوی‌پشتون‌هاو کمون‌های زراعتی‌اقوام دیگر تحت‌تسلط شان،که کشاورزی درآنها مبتنی برکمون‌های تیپ‌جرمنی ومناسبات پیشرفتهٔ فیودالی بوده‌به‌مثابهٔ وسیله‌یی دراستثمار اعضای ساده وزحمتکشان این‌واحدهای اجتماعی‌استفاده مینمودند.امرای فیودالی اراضی مذکوررا دربدل خدمات نظامی،اداری و تابعیت‌کامل‌در اختیار سران قبایل،افسران نظامی،موسسات‌قبیلوی‌وکمون های زراعتی قرارمیدادند ودراسترداد این‌اراضی دست‌آزادداشتند.همچنین تمام چراگاه‌هاوجنگلات درمالکیت اجتماعی کمون‌ها بودو تمام‌افرادسربوط به‌خیل ویاقبیلهٔ‌معینی ازآنهابصورت دسته‌جمعی ومساویانه بهره‌برداری میکردند .(۱) به‌عبارت دیگر درمجموع،مالکیت دولتی برزمین،زمین اجتماعی‌ویا Ager Publicus تابه سالهای ۲۰قرن ما شکل‌حاکم‌مالکیت برزمـین بـودوعلیرغم اینکه اکثریت قاطع اراضی تا به اواخرقرن ۱۹ متعلق به‌مالکین خصوصی گردید،ملکیت‌خانواده‌ها ازنگاه حقوقی جزئی‌از مالکیت اجتماعی‌ـ دولتی‌را تشکیل میداد. ولی درچوکات دولت‌واحد مرکزی،به‌صورت مشخص،بعضی ازخیل‌ها وقبایل درمرحلهٔ کمون آسیایی، برخی درمرحلهٔ کمون انتیك واقوام غیرپشتون عمدتاً درمرحلهٔ کمون‌های جرمنی قرار داشتند .

خیل‌ویا کمون حاکم امتیازات خاصی داشت. بطورمثال سدوزایی‌ها

۱ـ این‌شکل‌مالکیت تابه‌امروزدربرخی ازمناطق افغانستان حفظ‌گردیده‌است.

از مصئونیت فردی برخوردار بودند وحتی اگرفردی را به‌قتل هم‌می رسانیدند ، کسی حق انتقام معمول درقبایل را ازآنها نداشت. همچنین سدوزایی‌ها دختران خویش را به‌بیگانه‌گان و افراد خارج ازقبیله به‌نکاح نمیدادند. (۱)و بدینگونه برتری و تفوق قبیله‌خویش را برقبایل و اقوام‌دیگر تبارز میدادند .

درزمان جنگ هر قوم، قبیله و یاخیل تعداد معین افراد مسلح را دراختیار امیران دولت مرکزی‌قرارمیدادند .علاوه برمالکیت دولتی برتمام اراضی، امیران فیودالی سازماندهندگان کاردسته‌جمعی و بدون‌مزد کمون های منطقوی دراعمار و یاترمیم شبکه های آبیاری، بندها،سرکها، پل‌ها ، مساجد وغیره نیز بودند. این شکل کاردرکشور مابنام « بیگار» یاد میشد و تابه زمان سلطنت امیرامان الله خان بصورت رسمی ازآن استفاده وسعی صورت میگرفت. علیرغم آنکه امیرامان الله خان کاربیگار را لغو نمود ،ولی فرمان امیردرین مورد روی کاغذ باقی ماند و بعد هانیز کار اجباری و بدون مزد توده‌ها مثل سابق را یج بود . این دولت‌ها (بالخصوص درزمان حکمروایی امیران افغانستان درنیمه دوم قرن۱۹) مثال روشن دسپوتیزم شرقی اند که و. ای. لینین آنرا دراثر خویش « دربارهٔ حق ملل درتعین سرنوشت » مورد ارزیابی قرارمیدهد (۲)

خلاصه اینکه مالکیت اجتماعی بر زمین (مالکیت حقوقی امرای فیودالی برتمام اراضی زراعتی‌ومنابع آبی)روابط مستحکم اعضای کمون(و یاخیل)،

۱- ای.م.ریسنر، تکامل فیودالیزم وتشکیل‌دولت افغانها- مسکو،۱۹۵۴، صفحات ۵۹ - ۶۰ .

۲-و.ای،لینین، کلیات‌آثار(زبان روسی) ،طبع پنجم ،جلد ۲۵ ،صفحات۲۶۶-

PROPERTY ACKU 5014

پیوند زمینداری باصنایع خانگی ،خصلت مستقلانهٔ کمونها وضعف روابط اقتصادی میان خیل های جداگانه ، اتحاد خیل ها درزمان جنگ با اجنبی ویادر کاردسته جمعی بخاطر اعمارشبکه های آبیاری وامور دیگری که درتوان خانواده ها و یا کمون های جداگانه نبود ، عدم وجود تقسیم کار بین شهرها و روستاها ،قدرت مطلقه واستبداد شرقی وغیره که برخی از دانشمندان آنها را ازمشخصات عمدهٔ «شیوهٔ تولید آسیایی »میدانند دردولت های محلی ومرکزی قرون ۱۶-۲۰ پشتون‌ها نیز به مشاهده میرسند. اما ، بامطالعهٔ دقیق مناسبات تولیدی و زندهگی اقتصادی ـاجتماعی قبایل پشتون میتوان گفت ،که تابه تهاجم مغلها بهافغانستان وازطریق افغانستان به هند، مالکیت اجتماعی کمونی و یاخیلی-قبیلوی برعمده ترین وسایل تولید (زمین و آب) قطب عمده را درمجموع مناسبات تولیدی تشکیل میداد،ولی بعد از نفوذ مناسبات فیودالی و رشد تفاوت های اجتماعی تابه اوایل قرن ۲۰ اکثریت قاطع قبایل پشتون بهطبقات اشتی‌ناپذیر جامعهٔ فیودالی مبدل گردیدو از اواسط قرن ۱۹ درمیان آنها نطفه های مناسبات سرمایه داری پدیدآمد.(۱) مالکیت دولتی برزمین صرف جنبهٔ حقوقی داشت و درعمل با رشد پروسه فروپاشی مناسبات جامعهٔ اولیه‌قبیلوی اراضی زراعتی هرچه بیشتر مربوطبه مالکین خصوصی ، افرادوخانواده های جداگانه گردید و تابه اوایل قرن ۲۰ اکثریت قاطع اراضی دراختیارمالکین انفرادی قرارگرفت، درعین زمان امیران مطلق العنات افغانستان میتوانستند اراضی هرکسی را که بخواهند

۱- به تفصیل این موضوع رجوع کنید به : ک.رنجبر. پوسیده‌گی مناسبات اجتماعی- اقتصادی قبیلوی درافغانستان .«آریانا»۱۳۶۴، شمارهٔ اول، صفحات ۱-۲۱.

دوباره مسترد نموده و به شخصی دیگری بدهند. مگر این مساله به هیچ صورت دلیل شده نمیتواند، که گویا این شکل مالکیت بصورت ماهوی از اشکال مالکیت در پروسه تکامل جوامع اروپایی متمایز است.

زیرا در کشورهای اروپایی نیز پادشاهان فیودالی میتوانستند املاک واسال های خویش و یا افراد جداگانه را درصورت عدم اطاعت و یا بغاوت مصادره نموده به شخص دیگری بدهند. همچنین پادشاهان افغانستان نیز حتی بعد از تصویب نظامنامهٔ فروش املاک سرکاری درسال ۱۹۲۳ که بر اساس آن مالکیت خصوصی بر زمین برمبنای نظم حقوقی تثبیت گردید، عملا میتوانستند املاک افرادرا آزادانه مصادره نمایند.

مالکیت دولتی بر تمام اراضی در افغانستان نتیجهٔ حاکمیت یک کمون حاکم (ویا خیل) بر کمون های دیگر بود. کمون حاکم وسران خیل ها وقبایل دیگر طبقهٔ حاکمه و استثمارگر فیودالی و افراد عادی قبایل و کمون های زراعتی- طبقهٔ محکوم و استثمارشونده را تشکیل میداد ند. مالیه دولتی که ازطریق مامورین محل وسران خیل ها وقبایل جمع آوری میشد، در واقعیت بابهرهٔ فیودالی و یا رنت فیودالی زمین تطابق پیدا مینمود. به عبارت دیگر رئسای کمون های حاکم که درعین زمان رئسای دولت نیز بودند، بهره فیودالی زمین را از طریق جمع آوری مالیه تصاحب میکردند و مالیات جنسی بر زمین که درآن زمان بیشتر از ۲۰ درصد ارزش محصول کل را تشکیل میداد، بهرهٔ فیودالی مالیاتی به نفع خزانه دولت بود (۱). روابط مستحکم اعضای کمون (و یا خیل) پیوند

---

۱ - ر.ک : گ، رنجبر، ترکیب اجتماعی روستائیان و مناسبات ارضی درافغانستان قبل ازانقلاب، «آریانا» ۱۳۶۴، شمارهٔ دوم. صفحه ۵.

زمینداری با پیشه وری ، استقلال نسبی کمون ها وضعف روابط اقتصادی میان آنها از مشخصات مراحل معین تکامل فیودالیزم میباشد ونمیتوان آنرا در زمرهٔ ویژه‌گی های شیوهٔ تولید به اصطلاح مستقل آسیایی در افغانستان دانست . کاردسته جمعی کمون ها در برخی موارد ناشی ازطبیعت دشوار وموقعیت جغرافیایی وطبیعی افغانستان وازشرایط عینی- ضروری تولید بود . زیرادربسیاری ازمناطق افغانستان رطوبت وبارنده‌گی کافی وجودندارد وبدون اعمارشبکه های مصنوعی آبیاری‌واستخراج‌آبهای‌زیر زمینی ، کشاورزی بصورت قطعی ناممکن ویاناقص میگردد. مبارزه‌با طغیان دریاها واعمارشبکه‌های آبیاری ضرورت کاردسته جمعی گروه های بزرگ اهالی را بوجود میآورد وافراد ، خانواده ها وحتی کمون‌های‌جدا- گانه‌از عهده آن برآمد، نمیتوانند . استبداد تیپ شرقی نیز ناشی از همین عوامل اقتصادی بود وبه گفته کارل مارکس «کمون های زراعتی ... همیشه‌اساس مستحکم دسپوتیزم شرقی بودند وشعورانسان را درچوکات بسیارتنگی محدود میساختند » . همچنین« دردولت های آسیایی زراعت در زمان یك حکومت‌به‌انحطاط کشانیده میشود ودرعهد حکومت‌دیگری باری دیگراحیادمیگردد. درینجاحاصلات‌به‌همان‌تناسب‌مربوط به حکومت خوب‌ویا خراب است ، که دراروپا مربوط به‌هوای خوب ویاخراب میباشد»(۱) خلاصه اینکه ،دوالیزم مبتنی‌برمالکیت اجتماعی وخصوصی، قبل از همه- دوالیزم مالکیت اجتماعی‌وانفرادی برزمین وآب که‌ازمشخصات‌همهٔ‌انواع کمون‌های همسایه‌است، درمالکیت حقوقی دولتی‌ومالکیت عملی فیودلان و سران قبایل‌براراضی زراعتی تبارزمینمود وباتطابق مالیه‌بابهرهٔ فیودالی زمین

۱- ک. مارکس وف. انگلس ، کلیات‌آثار (زبان روسی)، طبع‌دوم،جلد۹، صفحات ۱۳۳-۱۳۵ .

و کار دسته‌جمعی به‌خاطر ایجاد سیستم آبیاری‌مصنوعی‌ـشکل‌و یژهٔ تبارزـ فرماسیون اجتماعی‌ـاقتصادی نظام فیودالی‌را به‌وجود میآورد.

بدین‌ترتیب ،در پروسهٔ‌تکامل تاریخی‌قبایل پشتون، که‌از جامعهٔ‌اولیهٔ قبیلوی بدون عبور از نظام برده‌گی و ار دسر حلهٔ‌تکامل فیودالی گردیدند، نمیتواندحرفی از وجود شیوهٔ تولیدمستقل «آسیایی» درمیان باشد .

ـقبایل نورستان:

اهالی نورستان در دره‌های مرتفع جنوبی‌مناطق‌شمال‌شرقی‌سلسله کوهای هندوکش‌در ساحهٔ‌تقریباً ۹ ،۵ هزار کیلومتر مربع زنده‌گی‌میکنند(۱) و اراضی‌قابل ملاحظه‌یی را به‌طرف‌شمال‌شرق‌تا به قاشقار،شمال تابه بدخشان،شمال غرب‌ـ قندزو غرب تابه اندراب ، خوست و فرنگ ، بلخ وکوهستان کابل‌اشغال‌می‌نمایند.(۲)

قسمت‌اعظم سرزمین نورستان جنگلزار است وبه‌گفتهٔ‌دانشمندان‌شوروی ن. ای. واویلوف و د.د.بوکینیچ « در برابر اروپایی که گذرش‌بـه‌این‌سرزمین نامعلوم و تابه‌حال تقریباً شناخته ناشده میافتد دورنمایی بازمیگردد که‌مناظر وطنش رابخاطرمیآورد:جنگل انبوه درختان صنوبر وارز،درختان کهن‌سال ارز وصنوبریکه‌توسط طوفان چپه‌شد اند... تنوع عوارض‌زمین که‌باعث تنوع زیاددرختان میشود».(۳) سرزمین نورستان‌ازدره‌های متعددی متشکل است که درمجموع ذریعهٔ جریان دریا های باشگل،

۱ـ ا.ا.پولیاك ـ نورستان (کافرستان) اطلاعیهٔ مختصر انستیتوت‌شرق‌ـ شناسی ۱۱۱ ×××،مسکو،۱۹۵۹،صفحه۸۶.

۲ـمونت ستیوارت الفنستن‌ـ دکابل سلطنت بیان ، دوهم تبوك ، پښتوژباړه ، کابل،۱۳۶۱، صفحه ۳۵۶ .

۳ـای.وان.ویلوف‌و د.د.بوکینیچ ـافغانستان‌زراعتی،لیننگراد ،۱۹۲۹،صفحه۳۶ .

پیچ و رامگل ازشمال بهطرف جنوب بهسهمنطقهٔجغرافیایی تقسیم میشود. همچنین تعداد زیاد درهها،تپهها وکوه های سربهفلك کشیدهیی، کهیكدیگر را قطع میکند ،نورستان رابهسرزمین نهایت تجریدشده وصعبالعبوری مبدل گردانیده است .(۱) ارتباط دهکدههای نورستان میان خودشان و همچنین با جهان خارج توسطراههای صعبالعبور کوهستانی تأمین میشود، کهبعضاً حتی برایرفتوآمد مواشی دشواری هایی خلق مینماید. حالت تجریدیدهات این سرزمین ،بالخصوص درزمستان کامل میگردد،زیرا کوتلهادراثر برفباری زیادمسدود و روابطاهالی بادنیای خارج بکلی قطع میشود .

موقعیت ویژهٔ طبیعی- جغرافیایی نورستان عامل آنگردید تادردرههاو دامنههای سرسبزوپرازجنگل اینبخش هندوکش قبایل مختلفی زندهگی کنند کهبزرگترین آنهاقبیلهٔ کاتی است .جمعیتهای گروپی اینقبیله درمناطق شرقیوغربی نورستان بسرمیبرند.دردرهٔ پیچ پراسونها ویا پارونها معیشتدارند کهدرادبیات اتنوگرافیك ازقدیمترین گروپ های اهالینورستان شمردهمیشوند .درجنوب آنهادرمناطقبالایی ووسطی دریای وایگل-وایگلی هاموقعیتدارند ودراراضی میان دریاهای پیچ والینگار دهکدههای آسکون هاقرار دارند.درسابق قبایلفوق وقبایلدیگر نورستان رادرمجموع ،مردمان اطراف آنهابهکافرانسفید وکافران سیاهیاد مینمودند زیرا برخیازآنها لباسسیاه وبخشیدیگر لباس سفید میپوشید .(۲)

۱- ا.ا.پولیاك ،نظام اقتصادی افغانستان، مسکو، ۱۹۶۳،صفحه ۶۶ .

۲-ا.گ. گافربرگ-ن.ا. کیسلیا کوف، کافران (نورستانیها)-درکتاب «خلقهایآسیای قریب» مسکو، ۱۹۵۷، صفحه، ۱۳۶، و.م. ماسون ، و.ا.روملاین- تاریخ افغانستان، جلددوم ، مسکو، ۱۹۶۵، صفحه، ۳۰۱.

درمورد تعداد اهالی نورستان قرن ۱۹ وحدت نظر وجود ندارد. الفنستن تعداد آنهارا ۱۵۰ هزار و ماکنیر ۲۰۰ هزار میدانست. جیولوژیست آلمانی م. فوگت تعداد مجموعی اهالی نورستان را، برمبنای باز پرسی درسه ناحیه یی که وی از آنها دیدن نمود، درحدود ۳۶ هزار تخمین نمود. ولی درمجموعه یی بنام «افغانستان» که درایالات متحدهٔ امریکا درسال ۱۹۵۶ بهطبع رسید، این رقم ۶۰ هزار تعیین گردیده است .(۱)

منشأ اهالی نورستان بهصورت دقیق ثابت نگردیده و درین مورد روایات مختلفی وجود دارد .نورستانی هااندام زیبا وچهرهٔ اروپایی دارند، ازمیز وچوکی استفاده می نمایند و بعضی ازسپورت های تیپ المپیای یونان درمیان آنها معمول است .عدهٔ زیادی براین مشخصات آنها استناد نموده، استدلال میکنند که گویا اهالی نورستان از بازماندهگان عساکر سکندر مقدونی و یونانی ها ی اند که درزمان حمله برهند ازنزدیکی این مناطق عبور نمودند و عده یی ازآنها دراینجا اقامت گزیدند . درجملهٔ طرفداران این نظریه، الفنستن ازرینل (Rennel) وسوجن رای (Soogen Re) نام میبرد .(۲) عده یی ازموسفیدان واهالی خود نورستان معتقداند که گویاآنها ازنژاد عرب وازقبیلهٔ قریش

۱- M. Elphinston, An account if the Kingdom of caubul, London 1815; Macnair, A Visit to kafiristan, Proceedings of the Geographical Socity, 1884, vl, P. 9;
M. Voigt, Kafiristan, Breslau, 1933; "Afghanistan", New Haven, 1956, P. 52

۱.ا. پولیاك.ـ نظام اقتصادی افغانستان، مسکو، ۱۹۶۴ صفحه ۶۸.

۲ـ م.س. الفنستن ،د کابل سلطنت بیان ،دویم تهوك، صفحه ۳۵۴.

میباشند .(۱) دانشمند بزرگ شوروی ن.ای. واویلوف منشأاهالی نورستان راگروپ اتنیک نزدیک به اهالی تاجیک کوهستان اطراف پامیروپامیرمید انست.(۲) به عقیدهٔ ماروایت اولی ودومی به هیچ صورت قابل قبول نیست، زیرا ریشهٔ زبانهای نورستان ، منشأآنها را از یونانیان واعراب کاملاً رد مینماید. ثابت است که قبایل بلوریا (نورستان باستان) مقاومت شدیدی در برابر عساکر سکندر کبیر ، درراه عزیمتش به هند، نشان دادند. بعداز تلفات سنگین ،مصالحه صورت گرفت و درحدود ۱۰۰۰ الی ۲۰۰۰ جوانان جنگجوی بلوریا عساکر یونانی رادرحمله برهند بدرقه کردند وآنهابعد ازمراجعت، درانتقال کلتور یونانی به قبایل خویش نقش بزرگی داشتند .همچنین مفکورهٔ منشأعربی وآن هم قوم قریش نورستانی ها توسط عمال امیر عبدالرحمن خان و فرستادگان مذهبی وی درین مناطق پخش شده بود،ملاها و افراد حکومتی تبلیغ میکردند که اهالی این مناطق ازاولادهٔ پیغمبر و ازاهل قریش اندولی به مرورزمان ریشهٔ نسبی و تعلق خویش را به اعراب فراموش کرده اند. هدف اساسی این تبلیغات جلوگیری ماوازمقاومت شدید کافران دربرابر پخش دین اسلام وتأمین کنترول حکومت مرکزی به این مناطق بود. دانشمندمحترم احمدعلی معتمدی دراثر خویش «مذهب قدیم نورستان»مینویسد که به عقید زبان شناس نارویژی، جورج مورگن ستیرن (G. Morgenstiern) همهٔ زبانهای نورستان، زبانهای آریایی اند و یکی ازشش زبان آنها ـ دهمیلی(Dahmili) نه زبان

۱ـ محمد صفر وکیل غرزی، نورستان، کابل ۱۹۶۰ ،صفحات، ۶ـ۷.

۲ـ ن.ای.واویلوف و د.د.بوکینیچ ،افغانستان زراعتی، لینینگراد ۱۹۲۹ ،صفحه ۱۳۶.

هندی و نه‌ایرانی است،بلکه اولین زبان آریایی میباشد .(۱)

ازقراین چنین برمیآید که‌روایت مهاجرت قبایل باستان کافرستان‌از پامیر و یابخش‌دیگر هندوکش و یاازاطراف قندهار به‌سرزمین‌فعلی شان‌بیشتر ـ به‌واقعیت‌نزدیک‌است .مسألهٔ‌اساسی ونهایت‌پراهمیت این‌است که‌بدون‌شك نورستانی‌ها شاخه‌یی ازآریایی‌های خالص‌اند که‌درزمانه‌های بسیارقدیم دراثر تهاجم اجنبی و یاجنگهای داخلی‌قبایل مجبور به عقب‌نشینی‌گردیده و بالاخره درمناطق‌فعلی ودراماں کامل ازدسترسی‌دشمن سکونت‌گزیدند.

عدم‌وجود اراضی وسیع زراعتی، حالت تجریدی‌مردم نورستان‌و فقدان مناسبات آنها بامردمان دیگر و خلقها ئیکه درمراحل پیشرفته‌تر تکامل‌قرار داشتند و همچنین مناسبات دشوار قبایل‌و دهکده‌ها بایکدیگر،حتی‌درداخل ساحهٔ‌نورستان‌ـباعث کندی سرسام آور تکامل نیروهای مولده گردیدو قبایل نورستان تابه اواخر قرن ۱۹ عمدتاً به‌شکل کمون‌های‌تیپ«آسیایی» دردهکده‌های جداگانه متکی به‌خود حیات بسرمیبردندو دراثر عدم‌اختلاط خون آنهاباقبایل اجنبی ،اصالت کامل آریایی خویش‌را حفظ نمودند .آنهادر اثر ضعف و حتی‌فقدان مبادلات فراورده های شان و عدم‌آمیزش دایمی‌بایکدیگر ، موفق‌نگردیدند تابه‌مثابهٔ‌خلق واحدی تشکل‌نمایند و بنام‌واحدی‌مسمی گردند واما بخاطر اینکه همهٔ‌این قبایل تابه‌لشکرکشی های‌امیرعبدالرحمن خان به‌سرزمین نورستان درسالهای ۱۸۹۵-۱۸۹۶، بت پرست بودند،از جانب‌همسایگان مسلمان بنام کافران ومحل‌زیست‌آنهابنام کافرستان‌یادـ میگردید .

---

۱ ـ ا.ع . معتمدی ، مذهب قدیم نورستان ، دستنویس ، کابل ۱۹۸۵ ، صفحات ۱۶-۱۷

در کافرستان مدت‌هاقبل تقسیم‌طبیعی کار به‌اساس جنس و سن‌صورت گرفت که‌به‌مرور زمان بااولین تقسیم بزرگ اجتماعی کار (جداشدن مالداری اززراعت) تطابق پیدا نمود. عامل‌عمدهٔ این‌ویژه‌گی قبایل کافرستان‌طبیعت دشوار و عدم ارتباط و مبادلات منظم و دایمی میان قبایل و حتی دهکده‌های مختلف بود. به همین مناسبت مردان هرقبیله مصروف مالداری، تولید، فراورد های آن و شکارگردیدند و زنان آن به زراعت و تولید محصولات زراعتی، باربری و جمع آوری چوب برای پخت و پزو ذخیرهٔ آن برای فصل زمستان پرداختند. اطفال نیز به‌والدین شان درامور تولیدی کمک میرسانیدند. پسران باپدران شان به‌شبانی‌پرداخته، تربیه‌مواشی، دوشیدن، ساختن پنیرو دیگر فراورده های شیری را ازپدران میآموختند. همچنین دختران خردسال درمزارع بامادران شان کمک مینمودند وراه فراه‌گرفتن کشاورزی را درپیش میگرفتند. پسران بعد ازسن پانزده به‌شبانان مستقل مبدل میگردیدند.(۱) بدین ترتیب تقسیم بزرگ اجتماعی کار به شکل کلاسیک آن که‌یکی ازقبایل مصروف زراعت ودیگری مصروف مالداری گردد، درمیان اهالی نورستان تابه امروز صورت نگرفته است.

به‌نسبت دشواری فوق العاده زیاد کشاورزی درشرایط کوهستانی ایجاد شبکه های مصنوعی آبیاری و مساعد ساختن پارچه‌های کوچک‌زمین قابل زرع درمیان سخره ها- تولیدات زنان محدود بود و بخش اعظم احتیاجات خانواده را مردان ازطریق مالداری رفع مینمودند. نقش قاطع مردان درزندگی اقتصادی عامل اساسی حاکمیت آنها درخانواده گردید. مطالعهٔ خانواده های کافران بیانگرآنست که‌درقرن ۱۹ گذار آنهاازمرحلهٔ

۱- احمد علي معتمدي، اقتصاد روستايي نورستان - كابل، ۱۳۳۵، صفحه ۱۹.

مادرشاهی وازدواج گروپی (Poly Gamy) به نظام پدرشاهی کامل گردیده ،قبایل مذکور در مراحل تکامل خانواده های جوره یی و درنتیجه دوران بربریت قرارداشتند. مرد به آقای خانواده مبدل گردید وبه قول انگلس«سقوط مادر شاهی‌شکست‌جهانی‌ـتاریخی جنس زن بود» .(۱)

درقبایل کافران تعدد زوجات وگرفتن دوخواهرتوسطیك مرد مروج بود (۲) که این پدیده ازبقایای ازدواج گروپی میباشد. واما «اولین نتیجهٔ برقراری حاکمیت یگانهٔ مرد درپیدایش شکل وسطی‌ـ خانوادهٔ پدرشاهی تبارزمینماید. مشخصه عمدهٔ آن نه تعدد زوجات ...بلکه سازمان تعداد معین افراد آزاد ومحکوم درخانواده است که‌تابع حاکمیت پدر، رئیس خانواده میباشد» (۳) درکافرستان قرن ۱۹ طوریکه بعداً توضیح خواهدشد ،هرفرد مالك یك ویا چند برده بود ویاچند مرد مشترکاً یک برده را استثمارمیکردند. باید خاطر نشان نمود که «مشخصه ما هوی چنین (خانوادهٔ جوره یی پدر شاهی‌ك.ر.) عبارت ازشامل کردن برده‌گان درترکیب آن وحاکمیت پدراست» (۴) همچنین درین مرحلهٔ تکامل خانواده «برمبنای عنعنات جامعهٔ آن زمان، مرد مالك منبع نو غذایی ـ مواشی و بالاخره ابراز کارجدید ـبرده‌گان نیز بود (۵)موقف

۱ـ ك.مارکس وف. انگلس، کلیات آثار(زبان روسی) طبع دوم ،جلد ۲۱ ،صفحه ۶۰.

۲ـ محمد صفر وکیل غرزی، نورستان، کابل، ۱۹۶۰، صفحه۳۶ .

۳ ـ ك.مارکس وف. انگلس، کلیات آثارـ جلد۲۱، صفحات ۶۰-۶۱.

۴ ـ همانجا، صفحه ۶۱.

۵ ـ همانجا، صفحه ۵۹.

زنان کافران از بعضی جهات با بردگان وجوه مشترک داشت. از زنان به مثابهٔ ابزار تولید استفاده صورت میگرفت. آنها از سپیده دم تا به تاریکی شام مشغول امور کشاورزی بودند و به مجردیکه مقدار زمین شوهر از امکانات یك زن بخاطر کشت آن تجاوز میکرد، بصورت بسیار طبیعی بازن دوم نیز ازدواج مینمود و به همین ترتیب یك سر دمتمول در ارتباط باتوسعهٔ ساحهٔ اراضی زراعتی اش، صاحب چند زن میگردید و یا به عبارت دیگر به همان تناسب ابزار تولید ش نیز توسعه میافت. زنان مانند برده گان خریداری میگردیدند و طویانهٔ یك دختر در اطراف ۲۰۰ بز بود.(۱) طلاق و یا فرختن زن توسط شوهر ش کار نهایت ساده یی بود و هر زمانیکه زن دیگر مورد پسند مرد نبود و یا کدام کار مخالف طبع شوهرش از وی سر میزد، فوراً مانند برده و یا موا شی به فروش میرسید. شوهر سابقه به خانهٔ شوهر جدید بدون موانع و یا مشکلاتی رفت و آمد میکرد و به همسر جدید زن سابقه اش به دیدهٔ اقارب جدید و یا یازنه اش مینگریست (۲)

ضعف حسادت مردان در مورد زنان شان ثابت کنندهٔ زنده بودن خاطرات ازدواج گروپی و یا پولیگامی Poly Gamy و وجود روابط خانوادهٔ جوره یی میبا شد.

زنان علاوه بر شغل مشقت بار کشاورزی به امور دشوار دیگری ازقبیل باربری نیز میپرداختند. حمل و نقل غله و بارهای بزرگ چوب ازمزرعه و جنگل به خانه از وظایف مشخص زنان بود. (۳) راه های صعب-

---

۱- احمدعلی معتمدی، اقتصاد روستایی نورستان، کابل، ۱۳۳۵، صفحه ۷.

۲- عبدالخالق اخلاص، نورستان یا جدید الاسلام «سالنامه کابل» ۱۳۱۸، صفحه ۲۷۰.

۳ - احمدعلی معتمدی، اقتصاد روستایی نورستان- صفحه ۳۷.

العبور و اراضی کوهستانی بر دشواری حمل و نقل غله و چوب و غیره میافزود.

خلاصه این تیپ خانواده به عبارت مارکس « در نطفهٔ خویش حاوی نه تنها برده گی Servitus بلکه وابسته گی سرواژی نیز است.

زیرا از همان آغاز خویش به وظایف کشاورزی ارتباط دارد». این خانواده در مقیاس کوچک و میناتور خویش حاوی «همهٔ آن تضاد هایی است که بعداً وسیعاً در جامعه و دولتش رشد مینماید ».(۱) ازدواج بادختران ماما، کاکا، عمه و خاله درقبایل کافر زشت ، شرم آور و ننگین شمرده میشد(۲) درنفی ازدواج باخویشاوندان خونی، نیز ادامهٔ عمل قانون انتخاب طبیعی تبارز مینماید (۳) وساحهٔ روابطه خواهری و برادری وسعت پیدا میکند.

بدین ترتیب ، تااواخر قرن ۱۹ اهالی کافرستان درمرحلهٔ کمون های خانواده گی پدرشاهی قرارداشتند. انگلس دراثر داهیانهٔ خویش «منشأ خانواده ،مالکیت خصوصی ودولت »مینویسد« : کمون خانوده گی پدرشاهی ... پلهٔ انتقالی را از خانواده یی که ازازدواج گروپی پدیدآمده ومبتنی برمادرشاهی است به خانوداهٔ انفرادی جهان معاصر تشکیل میدهد. ازقرار معلوم این مطلب درمورد خلق های باکلتور جهان کهنه (۴) درمورد آریایی ها و یهودیان واقعاً ثابت شده است »(۵)

---

۱ - ک.مارکس و ف.انگلس، کلیات آثار ،جلد ۲۱،صفحه ۶۱.

۲ -محمد صفر وکیل غرزی ،نورستان،صفحه ۳۶.

۳- ک. مارکس و ف. انگلس، کلیات آثار، جلد ۲۱ صفحه ۵۱.

۴ - منظور انگلس ازجهان کهنه - قارهٔ شرقی تمام خشکه ییست که بطرف شرق بحر الکاهل قرار دارد و قارهٔ غربی عبارت ازامریکا است که بطرف غرب بحرالکاهل موقعیت دارد. ک.مارکس و ف.انگلس، کلیات آثار، جلد ۲۱، صفحه ۳۰.

۵- همانجا، صفحه ۶۲.

ابزاریکه اهالی کافرستان در کشاورزی بکارمیبردند ابتدایی ، نهایت محدود وبر مبنای تحقیقات دانشمند محترم احمد علی معتمدی متشکل ازانواع ذیل بود :

« کیراو » Keraw : دوشاخه یست که ازدرخت بلوط بدست آورده وتوسط آن قلبه‌میکند. برای‌قبله‌کردن دو بزرگر متفقاً به‌ترتیبی عمل قلبه‌را اجرا میکنند که یکنفر ازسر کیراو محکم گرفته ونوک های آنرا بزمین فرومیبرد ودهقان دیگر توسط ریسمانی که دردو حصهٔ دوشاخه بسته کرده، طرف خود کش میکند .

«کشی » (Kashi) : بیلچه‌ییست که کلوخ های مزرعه را بعد از قلبه‌کردن ذریعهٔ آن میده میکنند و به حجم های مختلف یعنی خرد و کلان وجود دارد .

«چوی » (Choi):داس‌دندانه‌دار.

«ورا »(Wron)چوب‌درازی که همرای آن دندانه های‌غله‌را از پوستش جدا میکنند، به این ترتیب جو را خرمن کرده وعده یی برزگران به‌اطراف آن نشته همرای «ورا »به دسته های جو میکوبند .به‌این قسم ساقه ازدانه ودانه ازپوست جدا میگردد».(۱)

به‌وضاحت دیده میشود که ابزار کار وشیوهٔ کشاورزی درقبایل کافرستان نهایت بدوی ومربوط به مراحل متوسط بربریت وآغازدوران عالی بربریت بود .

---

۱ ـ ا.ع.معتمدی، اقتصاد روستایی نورستان ، صفحه۴۶ .

تربیهٔ مواشی نیز بشکل بدوی صورت میگرفت و شبانان درجستجوی علفچر های آماده ازیك دامنهٔ کوه به دامنهٔ دیگری نقل مکان میکردند. محصولات شیری بخش عمدهٔ خوراك کافران راتشکیل میداد ولی آنها از پشم و پوست حیوانات به وجه احسن استفاده کرده نمیتوانستند زیرا بالعموم مشك ها، پاپوشها والبسهٔ آنها ازپوست خام ساخته میشد و به تولید چرم هنوزدسترس نداشتند .(۱)

تازمان یورش عساکر امیر عبدالرحمن خان، درکافرستان مالکیت کمون های زراعتی زمین حفظگردید . برمبنای همین مالکیت اجتماعی کمون های زراعتی برعمده ترین وسیله تولید (زمین) موسسات روبنایی پیشرفتهٔ قبیلوی ـ پدرسالاری پی ریزی شده بود .

رب النوع کل قبایل کافرستان بنام ایمرا(Emra) یادمیشد. کافران علاوه برایمر اخدایان دیگری را نیز میپرستیدند و برای معبودان خویش در جاهای مخصوص مجسمه هایی که بالعموم ازچوب بود ،میساختند. درقبیلهٔ وامه ایمرا رابنام ایندرا (Endra) یادمیکردند و برای این رب النوع کل خانه یی اعمارنموده بودند که بنام ایندراما (Endra-ama)و یاخانهٔ ایندرا مسمی بود. دراین خانهٔ مقدس گنجینه واشیای قیمتی متعلق به همهٔ اهالی دهکده حفظ میگردید .همچنین دروامه باغ ایندراویاایندراکن (Endrakun) وجود داشت، که اهالی سه دهکده درآن به طور مساوی یانه سهمی داشتند. قبل از نفوذ دین اسلام هر قبیله از سهم خویش درین باغ خمر تولید میکرد (۲)

۱ـ عبدالخالق اخلاص، نورستان یاجدیدالاسلام ،«سالنامهٔ کابل» ۱۳۱۸، صفحه ۲۶۲ .

۱ ـ ا . ع . معتمدی ،«مذهب قدیم نورستان» دستنویس. ، صفحه ۲۳ .

چراگاها و جنگلات مال مشترك قبایل کافر بود. بطور مثال، در دهکدهٔ پشکی(Pashki)قبیلهٔ پارون (Parun)در ای ایشتره گل(Ishtragol ـ) ، پیچگرگل (Pechgargol) او بیوسوگل -(Obussugol) ، ایوگوگل (Uogogol) ودرهٔ سمچ گل (Samachgol) - مال‌مشترك اهالی پشکی بود. پارونی‌ها درشروع هرسال ساحهٔ‌چراگاه رابین خود به‌قرعه‌تقسیم میکردند. این‌قرعه کشی توسط اعضای اوریر(Urir) (بعداًدرمورد آن تذکر خواهیم داد) که‌رهبردهکده ریاست‌آنرا به عهده داشت،صورت میگرفت .(۱)

بزرگان‌قبایل کافربنام‌جست (Gast)یاد میشدند.لقب‌جست به‌اشخاصی‌داده میشد که‌صاحب ثروت ودارایی زیادی بوده ،برای‌تمام قبیله‌دعوت بزرگی میداد.دعوت مذکور که برای بدست آوردن لقب‌جست برپامیشد،بنام «مالبار» یادمیگردید.شورای جست ها امور داخلی‌و خارجی قبایل‌را رهبری میکردند.علاوه برآن درکافرستان به‌خاطر ادارهٔ امور دهکده‌ها و یاکمون های روستایی سازمان مخصوصی بنام شورای اوریر انتخاب میشد.این‌شورا تمام امور اقتصادی واجتماعی - ازتقسیم آب وعلفچر، تعیین‌زمان چیدن انگور ودیگر میوه‌ها ،بردن مواشی به چراگاه ودیگر امورکشاورزی گرفته‌تاسازمان‌دادن شکاردسته‌جمعی‌را اداره‌مینمود.شورای بزرگ‌قبیله‌به‌حیث‌قضات ومیانجی درمناقشات وغیره نیزعمل‌میکرد. دررأس شورای اوریر یکی ازجست‌ها قرارمیداشت که بنام اورجست Urgast یادمیشد.(۲)

۱ـ ا.ع. معتمدی، اقتصاد روستایی نورستان، صفحه ۱۶.

۲ـ عبدالخالق اخلاص نورستان یاجدیدالاسلام سالنامهٔ کابل صفحه ۲۷۵، ا.ع معتمدی اقتصاد روستایی نورستان، صفحات ۵۷ـ۵۸ محمدصفروکیل غرزی نورستان صفحات ۱۴۳ـ۱۴۴

علاوه بر آن در بین کافران سنن «شیروار» وجود داشت که یکی از ویژه گی های نهایت دلچسپ این قبایل بود. بر اساس «شیروار» هر خانواده به نوبت شیر تمام گله را میدوخت واز محصول آن مقدار زیاد مسکه، پنیر و دیگر محصولات شیری بدست میآورد. بعضاً در کشاورزی نیز سیستم کمك متقابل وجود داشت و همهٔ زنان یك دهکده برقطعات زمین به نوبت کار میکردند .(۱)

همهٔ این فاکت ها و بالخصوص وجود شورای دهکده و کار دسته جمعی بیانگر تسلط نظام قبیلوی ـ پدرسالاری و مالکیت کمون های تیپ آسیایی بر بخش عمدهٔ وسایل تولید بود. شرایط جغرافیایی طبیعت دشوار و سطح نازل اضافه تولید، باعث عدم وجود مناسبات دایمی وپیگیر با مناطق پیشرفته اطراف کافرستان وحتی میان دهکده های همسایه و کمون های جداگانه شده بود. پیوند مالداری با کشاورزی و صنایع خانگی باعث استقلال کمون های روستایی، خود کفایی و درنتیجه عامل اساسی زیست طولانی آنها گردید و درواقعیت امر قبایل کافرستان باحفظ دوران بربریت به پیشواز قرن بیستم شتافتند .

تا به آغاز قرن ۲۰ تفاوت های اجتماعی و قشربندی قابل ملاحظهٔ دارایی در میان اهالی کافرستان بوجود آمد. جست ها، اعضای شورای اوریر، شورماچی ها (۲) روحانیون ، غیب گویان و سرودخوانان با لعموم افراد ثروتمندی بوده، گردانندگان امور کمون های روستایی را تشکیل میدادند. تودهٔ اساسی اهالی کافرستان را اعضای سادهٔ کمون ها ـ کشاورزان، شبانان و شکارچیان بوجود میآوردند . درعین زمان نظام برده گی در بطن جامعهٔ قبیلوی

---

۱ ـ عبدالخالق اخلاص، نورستان یا جدید الاسلام «سالنامهٔ کابل» صفحات ۲۶۳ ـ ۲۷۴.

۲ ـ شورماچی ها ـ قهرمانان، جنگجویان و دلیران بودند.

پدرسالاری درحال تکامل بود .

بردهگان عمدتاً متشکل از اسیران جنگی بودند ،ولی حوادثی ازقبیل مبدل ساختن افراد آزاد به‌برده دربدل قرض درمیان کافران نیز به‌مشاهده میرسید (۱). برده‌ها که‌در کافرستان بنام باری (Bari) و یابری یادمیشدند از تمام حقوق انسانی محروم بودند.افراد آزاد ازازدواج بابرده‌گان خودداری نموده، آنهارا بدون مزد و دربدل تنهاخوراکو پوشاك به‌شدید ترین نحو استثمار میکردند. برده درقبایل کافرستان‌چنین حقیر و پست شمرده میشد که افرادآزاد باآنهاغذانمیخوردند ومانند اشیاویاموا شی‌مورد خریدوفروش قرار میگرفتند.باری‌حق‌نداشت‌تاوارد خانهٔبادارخودشود یاقبل‌ازاینکه بادارش استراحت نماید،دروازهٔ منزلش‌را ترك کند.سرنوشت دختران و پسران‌ـ برده‌گان نیز به صورت‌عام‌و تام به‌برده داران تعلق داشت. هرخانواده دارای‌یك‌و یاچند برده بودوبعضاً‌به‌مشاهده میرسید که چندخانواده مالك‌یك برده میبودند.(۲) قبیلهٔ کاتی نسبت‌به‌قبایل دیگر کافران ،مالك‌برده‌گان بیشتری بودند. اعضای این‌قبیله‌به‌تجارت غلامان میپرداختند وحتی‌ازفروش برده‌ها به‌مردمان اجنبی وهمسایه‌های مسلمان نیز ابانمیورزیدند. درهکدهٔ کامدیش ، درکناردریای باشکل بازارفروش برده‌ها وجود داشت. برده‌هاعمدتاً درخانه‌های جداگانه، دراطراف ده‌زندگی میکردند.(۳)

۱- و.م. ماسون، و.ا. رومادین، تاریخ افغانستان‌ـ جلددوم، مسکو، ۱۹۶۵ ،صفحه ۳۰۲.

۲- عبدالخالق اخلاص ،نورستان یاجدیدالاسلام ـ«سالنامهٔ کابل»صفحه ۲۶۰؛ ا.ع.معتمدی ، اقتصاد روستایی نورستان ،صفحات ۷۲-۷۳.

۳ - و.م.ماسون ،و.ا.رومادین ، تاریخ افغانستان ، جلد دوم، صفحه ۳۰۲.

باتکامل مالکیت خصوصی و رشدمراحل اولی نظام برده‌گی،نطفه های دومین تقسیم بزرگ کار اجتماعی (جدا شدن صنعتگری از زراعت) پدیدآمد.

اما این تقسیم کار اجتماعی نیز درقبایل کافرستان دارای ویژه‌گی‌هایی‌بود ودرآن جمله برده‌گان پیشه وری، و صنایع خانگی پرداختند وافراد آز ازمبادرت به این شغل اجتناب ورزیدند. (۱) برده‌گان تمام امور معماری نجاری، حجاری، آهنگری، زرگری، چرمگری، منبت کاری و هیکل تراشی را انجام میدادند. برده‌هابادستهای توانای‌هاشان آثاری‌هنری زیادی راازخود به یادگار گذاشته اند. این آثار هنری بیانگر فرهنگ وسنن مذهبی کافران هندوکش وبخشی ازگنجینه کلتوری مردمان قدیم آریایی میباشد. درآثار مذکور مجسمهٔ معبودان ونیاکان که توسط باری ها مطابق‌به‌سنن قدیم همیشه ازچوب ساخته میشد،مقام نهایت عمده‌یی را اشغال میکند. باری ها شبکهٔ آبیاری وناوه های دراز چوبی را برای انتقال آب، ازیک لاش کوه به لاش دیگرآن، اعمارمیکردند و درین فن‌مهارت بخصوصی داشتند. آسیاب های دستی برای آرد کردن حبوبات (که‌به خانواده‌های جداگانه تعلق داشتند) وآسیاب‌های آبی (که عمدتاً درملکیت کمون‌ها بود و همهٔ اهالی دهکده ازآن‌استفاده میکردند) نیز توسط دستان خلاق برده‌گان ساخته میشدند.

۱ـ این برخورد قبایل نورستان با صنعتگری و پیشه‌وری شباهت زیادی به جوامع کلاسیک انتیک داشت. دریونان ورم باستان‌صنعتگری وتجارت شغل‌های پست به حساب میرفت، زمینداری وزرع اراضی،پیشه افتخارآمیزی بود ولی دوقرون وسطی این مساله شکل‌معکوس آنرا بخود گرفت.ک.مارکس‌وف‌انگلس، کلیات آثار،جلد۴۶، کتاب‌اول،صفحات۴۶۸-۴۶۹.

درنتیجه میتوان گفت ، که درقرن ۱۹ اهالی کافرستان در مرحلهٔ کمون‌های خانواده‌های پدرشاهی قرار داشتند که‌از اتحاد آنها کمونهای روستایی تیپ «آسیایی» دهکده های جداگانه بوجود میآمد . در هر کمون روستایی به‌اساس تقسیم جدی کار، مردان به مالداری وشکار، زنان به زراعت و بردگان (باری‌ها) به پیشه وری و صنایع خانگی مشغول بودند.

نظام اجتماعی- اقتصادی کافرستان ، بـه استثنای تشکل دولت ، حاوی تمام عناصر مرکبه به‌اصطلاح شیوهٔ تولید آسیایی بوده ،ولی‌در بالا دیدیم که پدید آمدن نطفه های نظام برده‌گی و رشد بعدی آن‌درجامعه قبیلوی-پدر شاهی کافرستان و تفاوت های اجتماعی و طبقاتی -بیانگر سیر تکامل کلاسیک ولی نهایت بطی و تدریجی پروسه جاگزین شدن فرماسیون طبقاتی بجای جامعهٔ اولیه قبیلوی بود . مالکیت اجتماعی کمون های روستایی برباغ های وحشی ، جنگلات چراگاه ها تاحدودی هم‌بر زمین و کارد سته‌جمعی درکشاورزی ،سنن‌شیروارو نظم و یژهٔادارهٔ دهکده بامالکیت خصوصی خانواده ها برمواشی و قطعات کـوچک اراضی زراعتی تلفیق یافته،به ساختارجامعهٔ اولیه قبیلوی کافران خصلت‌انتقالی و یژه‌یی‌را میدهد.

درینجابازهم مسالهٔ برسر همان دوالیزم مالکیت بروسایل عمدهٔ تولیدمیباشد . اگر تا آغاز قرن ۱۹، درترکیب دونوع متضاد مالکیت درکمون‌های روستایی کافران، وزنهٔ بطرف مالکیت اجتماعی کمونی بر وسایل عمدهٔ تولید بود ، بعداً تااوایل قرن ۲۰ این تناسب به‌نفع مالکیت خصوصی و پیدایی طبقات آشتی ناپذیر تغییر قابل ملاحظه یی‌نمود .بدین ترتیب «شیوهٔ تولید آسیایی » (اگرمجبور باشیم تااین مقوله را بکاربریم) یکی ازویژه‌گی های جامعه قبیلوی -پدرسالاری درقبایل نورستان ومرحلهٔ

تاریخی ـ انتقالی بوده ، به هیچ صورت نمیتواند حرفی از استقلال آن در میان باشد .

بدین ترتیب ، در اخیر قرن ۱۹ کافران هنوز در مرحلهٔ گذار از جامعهٔ قبیلوی ـ پدرشاهی به بردهگی و آغاز جامعهٔ طبقاتی قرار داشتند .

نظام بردهگی بصورت طبیعی رشدنمیکرد ولی هنوز به فرماسیون مسلط مبدل نگردیده بود . پروسه تشکل باری ها به مثابهٔ طبقهیی در مراحل ابتدایی تکامل خویش قرار داشت و برده حاوی خصوصیات خانگی بود . هجوم عساکر امیر عبدالرحمن خان درسال ۱۸۹۵ ـ ۱۸۹۶ پروسه رشد نظام بردهگی را قطع و در قبایل نورستان مناسبات فیودالی شروع به تکامل نمود در ینجا عامل بیرونی در تغییر مسیر تکامل جامعه نقش قاطع را بازی کرد .

ماعمدآ بر رسی خویش را در مورد نورستان از موقعیت جغرافیایی و طبیعت سرزمین کافرستان، منشأ اهالی و ریشهٔ زبانی آنها آغاز نمودیم .

نتایج تحقیقات ابتدایی بیانگر آنست که قبایل نورستان شاخهیی از آریایی های خالص اند که از زمانه های قدیم بخاطر نجات از شردشمن و جنگ های قبایلی واداره به عقب نشینی شدندو در مناطق صعب العبور امروزی مسکون گردیدند. شرایط طبیعی ـ جغرافیایی باعث قطع کامل روابط کافران هندوکش باجهان خارج و حتی میان بسیاری ازدهکده های خودشان گردید و این مسأله به نوبهٔ خویش ساختار اجتماعی ـ اقتصادی، ارزشهای معنوی وفرهنگی آنهارا منجمد واصالت خونی آنها راازاختلاط باسردمان دیگر حفظ نمود .

لذا، مطالعات علمی در مورد کافرستان و شناخت ساختار اجتماعی ـ اقتصادی وفرهنگی قبایل این سرزمین از اهمیت بزرگ متدولوژیك برخوردار است. زیراتحقیقات مادربارهٔ کافران هندوکش درشناخت ماازقبایل آریایی زمانه

های باستان کمک نموده ، بر بسیاری از گوشه های تاریک مرحلهٔ انتقالی این مردمان، از جوامع بدون طبقات به طبقاتی، آغاز طبقاتی، و درک ویژه گی های آنها روشنی میاندازد . پس اگر ما کافرستان را بنام لابراتوار مطالعات انتروپولوژیک ، اتنولوژیک و سوسیولوژیک آریانای باستان بنامیم، بی مورد نخواهد بود .

نتیجه :

پروسهٔ گذار از جوامع بدون طبقات به طبقاتی از طریق واحدی صورت نگرفته، درمیان مردمان مختلف جهان دارای ویژه گی هایی بودودر عده یی از مناطق جهان بالخصوص دربرخی از نواحی آسیا با کشورهای اروپای غربی تفاوت های چشمگیری داشت که کارل مارکس آنرا بنام «شیوهٔ تولید آسیایی» نامید، ما به هیچ صورت منظور کارل مارکس از تذکر دربارهٔ «شیوهٔ تولید آسیایی» کدام شیوهٔ مستقل تولید نبوده وما آنرا به مثابهٔ مرحله انتقالی ویا گذار از جوامع بدون طبقات به طبقاتی برده گی ویا فیودالی ارزیابی مینائیم .

همین مرحله انتقالی از کمون اولیه به جوامع طبقاتی دربعضی از مردمان جهان زمان نهایت طولانی را در بر گرفت که در برخی از دانشمندان تصور واهی وجود فرماسیون مستقل «آسیایی» را بوجود آورد. ولی مطالعه تمام جوامع بشری بدون استثنا ثابت میسازد که وجود دو الیزام در مالکیت بر وسایل تولید (که از خصوصیات تمام کمون های روستایی جوامع ماقبل سرمایه داری است)، هیچگاه از توازن طولانی برخوردار نبوده ، یکی از دو قطب متضاد مالکیت اجتماعی و یا خصوصی بر وسایل تولید همیشه قطب مسلط و حاکم را تشکیل میدهد. درصورت تسلط مالکیت اجتماعی بر وسایل عمدهٔ تولید (زمین ، آب ، جنگلات و چراگاها) علیرغم وجود مالکیت خصوصی خانواده ها بر برخی از آنها ، درجامعه یکی از مراحل تکامل نظام کمون اولیه ودر شرایط معکوس آن نظام برده گی ویا فیود الیزم برقرار میباشد.

خلاصه اینکه ،جوامع بشری درمجموع ازپنج مرحله-کمون اولیه، برده گی ،فیودالیزم،سرمایه داری‌وکمونیزم میگذرند،ولی این بدان معنی نیست ،که عده‌یی ازمردمان جهان بعضی ازاین مراحل را طفره نرفته اند. بطورمثال سلاوها دراروپا وقبایل پشتون درآسیا باگذاراز مرحله برده‌گی وارد مرحلهٔ فیودالی شده اند.پروسه‌طبیعی‌رشدنظام برده‌گی دربطن‌جامعهٔ اولیه قبیلوی کافرستان نیز با مداخله نظامی امیرعبدالرحمن خان قطع وتحت تاثیر عوامل خارجی پروسه رشد نظام فیودالی آغاز گردید. همچنین حالا درافغانستان‌باتحقق اهداف انقلاب پیروزمند ملی ودموکراتیک‌ثور، پشتون ها بااقوام وملیت های دیگربرادر-تاجیک ها،هزاره‌ها،ازبک‌ها، نورستانی ها، بلوچ هاو غیره تحت رهبری حزب دموکراتیک‌خلق‌افغانستان، باسمت گیری سوسیالیستی بدون رسیدن به مرحله سرمایه‌داری پیشرفته، درراه اعمارجامعه صلح آمیز ،دموکراتیک، مترقی وبدون استثمارانسان از انسان مبارزه‌مینمایند.

مرحلهٔ انتقالی ازجوامع بدون طبقات به‌طبقاتی بالخصوص گزاراز کمون اولیه‌به‌نظام‌فیودالی ،بدون عبوراز فرماسیون برد گی ،باوجود مشخصات وویژه گی های آن نباید به مثابه‌شیوه تولید ویافرماسیون جداگانه‌تلقی‌گردد، همانطوریکه مابه هیچ وجه نمیتوانیم سمت گیری سوسیالیستی عده‌یی‌از کشورهای درحال رشد ،درآن جمله افغانستان رابنام راسوسی(غیراز سرمایه‌داری‌وسوسیالیستی)درتکامل جوامع بشری مسمی سازیم.

●

-بیبلیوگرافی:

۱- مارکس.ك و انگلس.ف، کلیات‌آثار،طبع دوم(زبان روسی)،جلد۳،صفحه ۳۸.

۲- مارکس.ك‌وانگلس .ف، کلیات‌آثار،طبع دوم،(زبان روسی) جلد۴،صفحات۱۰۳ ۱۰۴.

۳- مارکس.ك و انگلس.ف، کلیات آثار ،طبع دوم ،(زبان روسی) جلد ۹، صفحات ۹۰۸-۱۰۰، ۱۳۰-۱۳۶، ۲۲۴-۲۳۰ .

۴ - مارکس .ك وانگلس. ف ،کلیات آثار ،طبع دوم (زبان روسی) جلد ۱۲ ،صفحات ۴۹۸، ۷۱۰-۷۱۴ .

۵ -مارکس، ك و انگلس ف، کلیات آثار ،طبع دوم (زبان روسی) جلد ۱۳، ۷، ۲۰، ۱۱۰.

۶-مارکس .ك وانگلس .ف، کلیات آثار، جلد ۱۸، صفحات ۵۴۳-۵۴۶

۷-مارکس. ك وانگلس ف ،کلیات آثار، جلد ۱۹ ،صفحات ۱۲۰، ۲۲۵-۲۲۶، ۳۰۵، ۴۰۰-۴۲۱،

۸-مارکس. ك وانگلس. ف ،کلیات آثار، طبع دوم (زبان روسی) جلد ۲۰، صفحات ۱۰۵، ۱۵۱-۱۵۲، ۱۶۴-۱۶۵، ۱۸۰-۱۸۷، ۲۹۳، ۶۳۶-۶۴۳، ۶۴۷.

۹-مارکس.ك .وانگلس ف ،کلیات آثار ،طبع دوم (زبان روسی) جلد ۲۱ ،صفحات ۳۰، ۵۱، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۱۳، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۶۰-۱۶۱-۱۶۹، ۳۴۸-۳۴۹ .

۱۰- مارکس .ك و انگلس ف ،کلیات آثار، طبع دوم، (زبان روسی)، جلد ۲۳، صفحات ۸۸-۸۹، ۹۷، ۱۵۲، ۲۲۹، ۳۴۶، ۳۵۲، ۳۶۹-۳۷۱ .

۱۱- مارکس ك و انگلس ف ، کلیات آثار ،طبع دوم، (زبان روسی)، جلد ۲۴، صفحات ۱۱۷، ۲۶۷ .

۱۲-مارکس.ك وانگلس ف. کلیات آثار، جلد ۲۵، کتاب اول، صفحات ۱۹۴، ۳۶۳.

۱۳-مارکس.ك انگلس.ف، کلیات آثار، جلد ۲۵، کتاب دوم، صفحات ۱۴۵-۱۴۶، ۱۶۵، ۱۸۴، ۳۴۵، ۳۵۴، ۳۵۸ - ۳۶۰ .

۱۴ـمارکس .ك.وانگلس.ف، کلیات آثار،طبع دوم ،(زبا ن روسی) ، جلد ۲۶، کتاب دوم،صفحه۵۸۷.

۱۵ـمارکس.کوانگلس.ف، کلیات آثار ،جلد۲۶، کتاب سوم،صفحات ۴۱۴- ۴۱۶، ۴۳۲، ۴۳۶- ۴۳۹، ۴۵۰- ۴۵۳ .

۱۶ـمارکس، ك و انگلس.ف، کلیات آثار،طبع دوم، (زبان روسی) جلد۲۸، صفحات ۲۱۴-۲۱۵، ۲۲۲، ۲۲۶- ۲۳۰.

۱۷ـ مارکس.ك و انگلس.ف ، کلیات آثار،،طبع دوم ، (زبان روسی) جلد۳۲،صفحات۳۶، ۴۴، ۱۵۸.

۱۸ـمارکس.ك وانگلس.ف کلیات آثار،طبع دوم(زبان روسی) جلد۳۶،صفحات۹۶-۹۷ .

۱۹ـ مارکس.ك وانگلس.ف کلیات آثار،طبع دوم(زبان روسی) جلد۴۶ـ کتاب اول، صفحات۴۶۱-۵۰۸ .

۲۰ـمارکس.ك. مختصر کتاب ل. مورگن«جامعهٔ باستان » در کتاب آرشیف مارکس و انگلس ، جلد۹، مسکو ،۱۹۴۶.

۲۱ـمارکس ك. مختصر کتاب م.کووالف، « زمینداری کمونی،عوامل جریان و عواقب پوسیدن آن» «سوویتسکا یا وستوکووید ینیا»، ۱۹۵۸، شمارهٔ ۳-۵، «پرابلیمی وستوکووید ینیا»، ۱۹۵۹،شمارهٔ۱، «نرودی- آزیی‌ای آفریکی» ،۱۹۶۲، شمارهٔ۲.

۲۲ ـ مارکس.ك، مختصر کتاب د.فیره، «روستای آریایی‌د رهندوسیلون» «نرودی آزیی ای‌آفریکی »،۱۹۶۴، شمارهٔ۱؛۱۹۶۵، شمارهٔ ۱؛ ۱۹۶۶،شمارهٔ ۵.

۲۳ـ لینین.و. ای. کلیات آثار،طبع پنجم(زبا ن روسی)؛جلد۱،صفحات۱۳۶، ۱۳۹.

۲۴ - لینین و . ای، کلیات آثار، طبع پنجم، (زبان روسی)، جلد ۱۳، صفحه ۱۴.

۲۵- لینین و . ای. کلیات آثار، طبع پنجم، (زبان روسی) جلد ۲۵، صفحات ۲۶۶- ۲۶۷.

۲۶- لینین و . ای ، کلیات آثار، طبع پنجم (زبان روسی)، جلد ۲۶، صفحهٔ ۵۷.

۲۷ - لینین و . ای ، مختصر « مکاتبه مارکس و فانگلس، سالهای ۱۸۴۴- ۱۸۸۳» مسکو، ۱۹۵۹، صفحات ۲۶۰- ۲۶۳.

۲۸- ایولك ی.س. دربارهٔ مسألهٔ شیوهٔ تولید «آسیایی» - «پدزنانیسم مارکسیزم» ۱۹۳۱، شماره ۳.

۲۹- ایلین گ.ف. خصلت طبقاتی جامعهٔ باستانی هند، در کتاب: «مسایل جوامع ماقبل سرمایه‌داری در کشورهای شرق». مسکو، ۱۹۷۱.

۳۰- باگاتوریاگ.ا. اولین کشف کبیر مارکس، درکتاب: مارکس- تاریخ دان، مسکو، ۱۹۶۸.

۳۱- پاولوفسکایا ا.ای. درمورد مشاجره دربارهٔ شیوهٔ تولید آسیایی در صفحات مجلات « La Pensee ، Eirene »، «ویستنیك دریونی ایستوریی»، ۱۹۶۵، شمارهٔ ۳.

۳۲- پاولوفسکایا ا.ای. سمپوزیوم درمورد پرابلم عبور از جامعهٔ بدون طبقات به طبقاتی، «ویستنیك دریونی ایستوریی» ۱۹۶۷، شمارهٔ ۴.

۳۳- پیوف و.گ، و.ای. لینین دربارهٔ شیوهٔ تولید آسیایی، در مجموعهٔ: مسایل ماتریالیزم تاریخی و انتقاد برخی عقاید سوسیولوژی بورژوازی. مسکو، ۱۹۶۹.

۳۴- پولیاك ا.ا. نظام اقتصادی افغانستان، مسکو، ۱۹۶۴.

۳۵ - پولیاك ا.ا. نورستان (کافرستان) اطلاعیهٔ مختصر انستیتوت شرق شناسی ۱۱۱×××، مسکو. ۱۹۵۹.

۳۶- پیگولفسکایا ن.و. ،مسألهٔ شیوهٔ تولید آسیایی،«ویستنیك دریونی ایستوریی»، ۱۹۶۵، شمارهٔ ۳.

۳۷- پلیخانوف گ.و. مسایل اساسی مارکسیزم. مجموعهٔ آثار، جلد ۱۸، مسکو - لیننگراد، ۱۹۲۵.

۳۸- ترـاکوپیان ن.ب. رشد نظریات ك.مارکس و ف.انگلس در مورد شیوهٔ تولید آسیایی و کمون‌های زراعتی، «نر ودی آزیی ای آفریکی» ۱۹۶۵ شمارهٔ ۲، شمارهٔ ۳.

۳۹- ترـاکوپیان ن.ب. مارکس و انگلس دربارهٔ شیوهٔ تولید آسیایی و کمون‌های زراعتی. درمجموعهٔ : از تاریخ مارکسیزم و جنبش جهانی کارگری. مسکو، ۱۹۷۳.

۴۰- دانیلوه ل.و. مشاجره درمورد پرابلم مهم (مسألهٔ شیوهٔ تولید آسیایی) «وپروسی فیلوسوفیی»، ۱۹۶۵، شمارهٔ ۱۲.

۴۱- دایرةالمعارف اقتصادی، اقتصادسیاسی، جلداول، مسکو، ۱۹۷۲، صفحات ۴۲-۴۳.

۴۲- دایرة المعارف اقتصادی، اقتصادسیاسی، جلدسوم، مسکو، ۱۹۷۹، صفحه ۱۵۷.

۴۳- دایرةالمعارف بزرگ شوروی، جلد ۱، مسکو، ۱۹۷۰، صفحه ۲۷۹.

۴۴- دایرةالمعارف بزرگ شوروی، جلد ۲۴، کتاب اول، مسکو، ۱۹۷۶ صفحات، ۳۴۵-۳۴۶.

۴۵- دایرةالمعارف فلسفی، مسکو، ۱۹۸۳، صفحات ۴-۱۵- ۴۵۳.

۴۶- دوبروفسکی س.م. مسأله ماهیت شیوهٔ تولید «آسیایی»، فیودالیزم، سرواژی و سرمایه‌داری تجاری، مسکو، ۱۹۲۹.

۴۷- دیاکونوف ای.م. مشخصات عمدهٔ اقتصاد در سلطنت‌های آسیای غربی باستان، «نرودی آزیی ای آفریکی»، ۱۹۶۶، شمارهٔ ۱.

۴۸- دیاکونوف ای.م. مشخصات عمدهٔ جامعهٔ باستان (ریفرات بر مواد آسیای غربی) در کتاب: «مسایل جوامع ماقبل سرمایه‌داری در کشورهای شرق» مسکو، ۱۹۷۱.

۵۱- ریسنر ای.م. تکامل فیودالیزم وتشکیل دولت افغانها- مسکو، ۱۹۵۴.

۵۲- سترو وی و.و. مفهوم «شیوهٔ تولید آسیایی» «نرودی آزیی ای آفریکی»، ۱۹۶۵، شمارهٔ ۵.

۵۳- سیمینوف یو.ای. پرابلم ساختار اجتماعی-اقتصادی شرق باستان، «نرودی آزیی ای آفریکی»، ۱۹۶۵، شمارهٔ ۴.

۵۴- سیمینوف یو.ای. تیوری فرماسیون‌های اجتماعی-اقتصادی و تاریخ جهان در کتاب: فرماسیون‌های اجتماعی-اقتصادی، پرابلم‌های تیوری، مسکو، ۱۹۷۸.

۵۵- فرهنگ اقتصاد سیاسی، مسکو، ۱۹۷۳، صفحات ۲۸۶-۲۸۷.

۵۶- کچانوفسکی یو.و. مشاجره دربارهٔ شیوهٔ تولید آسیایی در صفحات مطبوعات خارجی. در کتاب: مسایل جوامع ماقبل سرمایه‌داری در کشورهای شرق، مسکو، ۱۹۷۱.

۵۷- کریموف ا.گ، تعالیم مارکسیستی دربارهٔ فرماسیون‌های اجتماعی و انتقاد از تیوری فرماسیون آسیایی- عام و خاص در تکامل تاریخی کشورهای شرق، مسکو، ۱۹۶۶.

۵۸- کریموف ا.گ، مشاجره دربارهٔ مناسبات ماقبل سرمایه داری درچین درسالهای ۲-۳، درکتاب: مسایل جوامع ماقبل سرمایه داری درکشورهای شرق، مسکو، ۱۹۷۱.

۵۹- گارو شیانس یو.م. دربارهٔ شیوهٔ تولید آسیایی، «و پروسی ایستوریی»، ۱۹۶۶، شمارهٔ ۲.

۶۰- کافربرگ ا.گ- کیسلیاکوف، کافران (نورستانی ها) -در کتاب «خلقهای آسیای جلوئی» مسکو، ۱۹۵۷.

۶۱ - گودیله م، مفهوم شیوهٔ تولید آسیایی وطرح مارکس دربار رشد جامعه-«نرودی آزیی ای آفریکی» ۱۹۶۵، شمارهٔ ۱.

۶۲- ماسون و. م. تشکل جامعهٔ آغازطبقاتی درشرق باستان، «و پروسی ایستوریی»، ۱۹۶۷، شمارهٔ ۵.

۶۳- ماسون و. م. روماداین و.ا. تاریخ افغانستان. جلددوم، مسکو، ۱۹۶۵.

۶۴-«مشاجره دربارهٔ فرماسیون های اجتماعی-اقتصادی»-ایستوریك مارکسیست»، ۱۹۳۰، شمارد ۱۶.

۶۵- میلیکیشویلی گ.ا. مسأله کرکتر یستیك قدیم ترین جوامع طبقاتی، «و پروسی ایستوریی» ۱۹۶۶، شمارهٔ ۱۱.

۶۶- نیکیفروف و.ن. عقاید شیوهٔ تولیدآسیایی و ایستوریوگرافی معاصر شوروی، -«عام وخاص درتکامل تاریخی کشور های شرق» مسکو.، ۱۹۶۶

۶۷- نیکیفروف و.ن. شرق وتاریخ جهان، مسکو.، ۱۹۷۷.

۶۸- نیکیفروف و.ن. مشاجرهٔ تاریخ دانان شوروی دربارهٔ ساختاراجتماعی-اقتصادی چین، «نرودی آزیی ای آفریکی» ۱۹۶۵، شمارهٔ ۵.

۶۹- نیکیفروف و. ن. منطق مشاجره ومنطق درمشاجره، « و پروسی ایتسوریی »، ۱۹۶۸، شمارهٔ ۲.

۷۰- نیکیفروف و .ن. ک. مارکس‌وف.انگلس‌در بارهٔشیوهٔ تولیدآسیایی در کتاب:«مسایل‌جوامع ماقبل‌سرمایه‌داری‌در کشورهای شرق»مسکو، ۱۹۷۱.

۷۱- وارگه ی.شرح‌مختصر روی پرابلم‌های‌اقتصاد سیاسی.،مسکو.۱۹۶۷.

۷۲ - و اویلوف‌ن. ای.بوکینیچ د.د.، افغانستان زراعتی،لینیگراد ۱۹۲۹.

۷۳-و اسیاف‌ل.س.سترو چفسکی ،ای .ا.سه مدل‌پیدایش و تطور جوامع ماقبل‌سرمایه‌داری(پرابلم شیوهٔ‌تولیدآسیایی)«وپروسی ایستوریی»۱۹۶۶ شمارهٔ۵.

۷۴- ویتکین‌م .ا.وترا کوپیان ن.ب.درمورد صفحات مجلهٔ La Pensee (تحلیل پروبلم‌شیوهٔ تولید آسیایی) ،«و پ رو سی فیلوسوفی»،۱۹۶۵،شماره۳

۷۵-و یتکین‌م. ا.فاز جدید مشاجره «و پروسی فیلو سوفی»،۱۹۶۶،شمارهٔ۸.

۷۶-همایونوف ل.س . دربارهٔ عقاید مارکس درمورد ساختار اجتماعی- اقتصادی هند «نرودی‌آزیی ای‌آفریکی «۱۹۶۸،شمارهٔ ۳.

۷۷ - همایونوف ل . س .دربارهٔ یادداشت‌های کارل‌مارکس که‌در هنگام مطالعهٔ کتاب ماکسیم کوو الیوفسکی «کشاورزی کمونی ،عوامل،جریان وعواقب پوسیدن‌آن»بر داشته است«سو ویتسکایاوستوکوو یدینیا»۱۹۵۸شماره۲ .

۷۸- ینسمان یا .ا.بررسی مساله‌شیوهٔ تولید آسیایی. برخی ازاشارات مقدماتی -«و یستنیك‌دریونی ایستوریی» ،۱۹۶۵ ،شمارهٔ ۳.

۷۹ -یفیموف‌ا.و.اشتراك‌اتنیك‌وفرماسیون‌های‌اجتماعی-«عام‌وخاص‌درتکامل- تاریخی کشورهای شرق »، مسکو، ۱۹۶۶.

۸۰ -اخلاص‌عبدالخالق. نورستان یاجدید لاسلام «سالنامهٔ کابل»۱۳۱۸.

۸۱-رنجبر کبیر ،پوسیده‌گی مناسبات‌اجتماعی-اقتصادی‌قبیلوی درافغانستان «آریانا»،۱۳۶۴،شمارهٔ اول، صفحات ۱-۲۱.

۸۲- رنجبر کبیر -ترکیب اجتماعی روستائیان و مناسبات ارضی درافغانستان قبل از انقلاب ،«آریانا» ۱۳۶۴، شمارهٔ دوم،صفحات ۱-۴۰.

۸۳-غرزی محمدصفر وکیل ،نورستان، کابل، ۱۹۶۰.

۸۴- محمد حیات خان.حیات، افغانی.لاهور، ۱۸۶۷.

۸۵ - معتمدی ا.ع. اقتصاد روستایی نورستان. کابل ۱۳۳۸.

۸۶-معتمدی ا.ع . مذهب قدیم نورستان.(دستنویس) کابل، ۱۹۸۵.

87— Antoniadis-Bibicou H., Byzance et la made de production asiatique,-"La Pensee", 1966, No. 129.

88- Banu I., Asupra formatiumi sociale "asiatic", "Reevista de Filosofie", Buc., 1966, No. 2, No. 3

89— Boiteau P., Les droits sur la terre dans la societe malgache precoloniale (Contribution a l'etude du "mode de production asiatique"), -"La Pensee", Paris, 1984 No. 117.

90— Chesneaux J., Qu'est ce que la Democratie rationale? — "La Pensee", Paris, 1964, No. 118

91—Chesneaux J. Le mode de Production asiatique: quelques per spectives de recherche, -- "Le Pensee", 1964, No. 114

92— Chesneaux J., Recents travaux marxistes sur le mode de production asiatique (Bibliographie sommaire),— "La Pensee", 1964, No. 114.

93— Chesneaux J., Le mode de production asiatique: une nouvelle etape de la discussion, — Eirene", Praha 1964, No. 111.

94— Chesneaux J., Qu en est la discussion sur le mode de production asiatique? — "La Pensee", 1965, No. 122; 1966, No. 129; 1968, NO. 138.

95— Dhocquois G., Le mode de production asiatique, — "Cahiers internationaux de sociologie", Paris, 1966, Vol. XLI.

96— E. D. R., Il modo di produzione asiatico. L'opportuna riesumazione di una categoria condannata dallo stalinismo negli ultimi trent' anni,- "Rinascita", Roma, 13. Vl. 1964.

97— Elphinston, An account of the Kingdom of Caubul, London, 1815.

98— Godelier M.. Les ecrits de Marx et d'Engels sur le mode deproduction asiatique (Bibliographie sommaire). — "La Pensee", 1964, No. 114.

99— Godelier M., La notion de "mode de production asiatique" et les schemas marxistes d'evolution des societes, Paris, 1964, C.E.R.M.

100— Godelier M., Discussion et travaux sur la notion de "mode de production asiatique", — "La Pensee", 1965, No. 122.

101—James Sutherland Broadfoot, Bengal Engineers 1839. "Royal Geographical society", V. I, ut. III, "Supplementary papers" London, 1885.

102—Krader L., The asiatic mode of production; cources, development and critique in the writings of Karl Marx, Assen, 1975.

103—Lewin G., Zu eimigen problemen der asiatichen productions weise" in der gesellshaftlichen Entwicklung chinas, — "Wissenschaftliche Zeitschrift der Karl-Marx-Universitat", Leipziq, 1964. H.2 .

104—Lewin G., Von der "asiatischen Productionsweise" zur "hydraulic society", Der Werdegang eines Renegaten, — "Jahrbuch fur Wirtschaftsgeschichte", Berlin, 1967, T. IV.

105— Macnair, A visit to Kafiristan, Proceedings of the Geographical sociaty, 1884, VI.

106—Olmeda M., El desarollo de la Sociedad mexicana. I. La fase prehispanica, proyeccion americana del modo be produccion asiatico, Mexico, 1960

107-Parain C., Protohistoire mediterraneenne et mode de production asiatique, — "La Pensee", 1966, No. 127.

108—Parain C., Le mode de production asiatique, une etape nouvelle dans une discussion foundamentale, — "La Pensee", 1964, No. 114.

109— Pecirka J., Die sowjetischen Diskussionen uber die asiatische Productionsmeise und uber die Sklavenhalterformation, "Eirene", Praha, 1964, III.

110— Pecirka J., Von der asiatischen Produktionsweise zu einer marxistischen Analyse der fruhen Klassengesellschaften. Randbemerkungen zur gegenwartigen Diskussion in der UDSSR, — "Eiren" Praha, 1967, VI.

111— Premieres societes de classes et mode de production asiatique, "Recherches internationales a la lumiere du marxisme", 1957, No. 57—58.

112— Raverty H. G, Notes on Afghanistan and part of Baloochistan... London, 1881.

113—Sachs J., Une nouvelle phase de la discussion sur les formations, — "Recherches internationales...", 1967, No. 57—58.

114—Safri G., Sul "Modo di produzione asiatico", Appunti per La storia di una controversia,- "Critica storica", Firenze, novembre 1966.

115—Santis S. de, Les communautes de village chez les Incas, Les Azteques et les Mayas. Contribution a letude du mode de production asiatiq, — "La Pensee", 1965, No. 122.

116— Sedov L., La societe angkorienne et le probleme du mode de production asiatique, — "La Pensee", 1968, No. 138.

117—Shiozawa K., Les historiens japonais et le mode de production asiatique? — "La Pensee", 1965, No. 122.

118—Skalnik P., Pokora T., Begining of the Discussion about the Asiatic Mode of Production in the USSR and People's Republic of China, — "Eirene", Praha, 1966, V.

PROPERTY OF ACKU 5014

119— Sofri G., Tl mode di produzione asiatico, Torino, 1969.

120— Suret-Canale J., Les societes traditionnelles en Afrique tropicale et le concept de mode de
121 - Suret - Canale J., Sur La notion marxiste production asiatique, — "Le Pensee", 1964, No. 117. de "mode de production asiatique", — "Cahiers du communisme", Paris, 1966, No. 3.

122—Thorner D., Marx on India and the Asiatic mode of production, — "Contributions to Indian Sociology", Paris-The Hague, december 1966. No. IX.

123—Tokei F., Sur le "mode de production asiatique", Paris, 1963 C.E.R.M. (roneotype).

124—Tokei F., Le mode de production asiatique dans loeuvre de K. Marx et F. Engels, — "La Pensee", 1964, No. 114.

125—Tokei F., Essays on the Asiatic mode of production, Bdpst, 1979.

126 Varga E., Sur le "mode de production asiatique", — "Recherches internationales...", 1967, No. 57—58.

127— Voigt M., Kafiristan, Breslau, 1933; "Afghanistan", New Haven, 1956.

A DISCUSSION OF

'The asiatic mode of production'

AND THE POSSIBILITY OF ITS PRESENCE AMONGST THE PASHTUN AND NURISTANI TRIBES

by

Dr. Sc. Phil. Kabir Ranjbar

DRA ACADEMY OF SCIENCES
CENTER OF SOCIAL SCIENCES
ARYANA QUARTERLY
1986